گلشن مهر

■ گلشن مهر شناسنامه گلستان است

■ سه شنبه ۱۹ آبان ماه ۱۴۰۵/ سال بیست و هشتم /شماره ۳۲۹۰/ ۸ صفحه / ۲۵۰۰۰ تومان

دفتر خدمات دولت حقی

نشانی:گرگان – خیابان شهید بهشتی، روبروی خیابان اول گرگانجدید. پاساژ رضا. واحد ۴ و ۱۷

شماره: ۰۹۱۱۲۶۸۰۲۴۹
۰۹۲۲۲۶۸۰۲۴۹



۲ افزایش ۲۰۰ مگاواتی ظرفیت تولید برق تا پایان امسال



۳ دولت به تعهدات خود برای توسعه گلستان پایبند است



۳ اولین تیزر مستند "از کوموش دپه تا آق تۇقای" منتشر شد



انگورهای حجاب‌دار «سینما» ۴-۵



حذف یک ماه تعرفه گرمسیری؛ داغ قبض بر دل گنبدی‌ها ۶



تاثیر استفاده از نیتروژن بر عمر لاستیک خودرو ۸



ال‌نینو در گلستان

مهران قجری– گلستان در آستانه یک آزمون جدی اقلیمی قرار گرفته است؛ آزمونی که نتیجه آن نه با تعداد جلسات مدیریت بحران، نه با صدور اطلاعیه‌های هواشناسی بلکه با میزان خسارت به جان و مال مردم سنجیده خواهد شد. ال‌نینو این روزها به یکی از موضوعات مهم بحث‌های اقلیمی و مدیریتی کشور تبدیل شده است؛ پدیده‌ای که نامش برای مردم گلستان، با خاطره بارندگی‌های شدید، طغیان رودخانه‌ها، آب‌گرفتگی شهرها و نگرانی از تکرار حوادث تلخ گذشته گره خورده است. اما آیا استان برای مواجهه با پیامدهای احتمالی آن آمادگی دارد یا قرار است باز هم پس از وقوع حادثه، مسئولان به میدان بیایند و از خسارت‌ها سخن بگویند؟ گزارش‌های منتشرشده در روزهای اخیر از سوی خبرگزاری‌های تسنیم، مهر و صداوسیمای مرکز گلستان، در کنار گزارش‌های خبرگزاری فارس، تصویری قابل تامل از وضعیت اقلیمی و آسیب‌پذیری زیرساخت‌های استان ارائه می‌کند. تصویری که اگر جدی گرفته نشود، می‌تواند هزینه‌های سنگینی برای مردم و اقتصاد منطقه به همراه داشته باشد. رئیس مرکز ملی اقلیم و مدیریت بحران خشکسالی سازمان هواشناسی نیز تاکید کرده است که میزان و توزیع بارش ها در روزهای آینده تابع مجموعه‌ای از الگوهای جوی و اقیانوسی است و نمی‌توان تمام تغییرات بارندگی را به ال‌نینو نسبت داد. بنابراین، آنچه باید مبنای تصمیم‌گیری قرار گیرد، مدیریت ریسک و آمادگی برای سناریوهای مختلف اقلیمی است، پس تکیه بر پیش‌بینی‌های قطعی و خوش‌بینانه غلط است. اگر قرار باشد برای فهم ابعاد خطر، از نقطه‌ای مشخص شروع کنیم، باید به شرق گلستان برویم؛ به مینودشت، گالیکش، کلاله، مراوه‌تپه و رامیان، بیایید اخبار خبرگزاری ها را بررسی کنیم. بارندگی‌های ۱۸ و ۱۹ مهرماه ۱۴۰۵ نشان دادند که این مناطق تا چه اندازه در برابر بارش‌های شدید و متمرکز آسیب‌پذیرند. در آن بازه زمانی در قلعه‌قافه مینودشت، حدود ۱۴۷ میلی‌متر بارندگی ثبت شد. در گزارش تفصیلی منتشرشده درباره وضعیت ایستگاه‌های باران‌سنجی استان، مجموع بارش قلعه‌قافه بالا طی دو روز ۱۶۱ میلی‌متر اعلام شده است. پاقلعه رامیان با ۱۴۵ میلی‌متر، کیارام گالیکش با ۱۰۴ میلی‌متر و زرین‌گل علی‌آباد کتول و جعفرآباد گرگان هرکدام با حدود ۱۰۰ میلی‌متر، از دیگر نقاط پربارش بودند. این اعداد هرکدام روایتگر فشاری هستند که بر رودخانه‌ها، جاده‌ها، پل‌ها، مزارع و سکونتگاه‌های انسانی وارد شده است.در مینودشت، سیلاب موجب جان‌باختن و مفقودشدن تعدادی از شهروندان و اختلال در مسیرهای ارتباطی شد. در گالیکش، راه‌های روستایی و مزارع کوهستانی آسیب دیدند. در رامیان نیز شماری از مسیرهای روستایی با مشکل مواجه شدند. تسنیم در گزارش خود از بسته‌شدن راه ارتباطی تعدادی از روستاها و قطع برق مناطق شرقی استان خبر داد. صداوسیمای گلستان نیز از انسداد ۱۴ راه روستایی شرق استان در جریان سیلاب مهرماه گزارش داد. چرا با وجود تجربه سیلاب‌های متعدد، هنوز برخی راه‌های روستایی، پل‌ها و مسیرهای دسترسی در برابر بارش‌های شدید چنین آسیب‌پذیرند؟

آیا ارزیابی فنی پل‌ها و آب‌گذرها به‌صورت مستمر انجام شده است؟ آیا مسیر طبیعی جریان آب در ساخت‌وسازها و تغییر کاربری اراضی رعایت می‌شود؟ آیا برای مناطق کوهستانی شرق استان، نقشه خطر سیلاب با جزئیات کافی تهیه شده است؟ باید یادآور شویم که در مرکز استان نیز اوضاع به سامان نیست. گرگان با گسترش ساخت‌وساز شهری، تغییر کاربری اراضی و افزایش سطوح غیرقابل نفوذ، نیازمند بازنگری جدی در شبکه هدایت آب‌های سطحی است. بارندگی‌های مهرماه بار دیگر آب‌گرفتگی معابر شهری را به مسئله‌ای جدی تبدیل کرد. وقتی بارش شدید اتفاق می‌افتد، نمی دانیم شبکه جمع‌آوری آب‌های سطحی چه ظرفیتی دارد، کدام نقاط دارای گلوگاه هستند و چرا برخی معابر همچنان در برابر بارندگی‌های رگباری دچار آب‌گرفتگی می‌شوند. بودجه و هزینه‌های عمرانی شهرداری باید در کنار میزان اثربخشی پروژه‌های زیرساختی بررسی شود.

اما در آق‌قلا، موضوع ابعاد تاریخی و حساس‌تری دارد. تجربه سیل ویرانگر سال ۱۳۹۸ هنوز در حافظه مردم این منطقه زنده است.

ادامه در صفحه ۲

یادداشت اول

زاد روز نیما

■ **با مسوولیت سردبیر**

۲۱ آبان زادروز نیما یوشیج است، شعر و نثر فارسی رکن استوار فرهنگ منطقه ای به وسعت خراسان بزرگ فرهنگی قدیم است. ماندگاری یک زبان در طول تاریخ علاوه بر اختصاصات ذاتی و نحوی آن به زمان شناسی منتقدان، شاعران و نویسندگان آن زبان نیز بستگی دارد، چه بسیار زبانهایی که در جنگ ها و مقابله های بزرگ تاریخی و فرهنگی از میان رفته اند و چه بسیار گویش هاکه اندک اندک از چرخه روزگار حذف شده اند مصریان زبان خود را در حمله اعراب از دست دادند و اندک اندک خود را از هویت قبطی نیز تهی دیدند، ایرانیان اما به مدد وجود فردوسی بزرگ توانستند افسانه ها و داستان های اقوام ایرانی را که در دهانها می چرخید نگه دارند و اندیشه ایرانشهری و حکمت خسروانی را به زبان مادری پس از حمله اعراب به نسل بعد از خود انتقال دهند، پس از آن دیگرانی چون خاقانی، نظامی، جامی، فرخی سیستانی و سپس حافظ و مولانا و سعدی و .... هر قرنی زبان فارسی را به غنایی رساندند که به لحاظ جایگاه در ادبیات جهان اگر نگوییم بی نظیر قطعا کم نظیر است. نیما یوشیج نیز یکی از آن تاثیرگذاران بر ساختار شعر فارسی است که توانسته است با غنای تکنیکی، بر سرمایه های شعر فارسی قالبی به نام خود را در کنار قالبهایی مانند غزل و قصیده، رباعی و دوبیتی به قالبهای شعر فارسی اضافه نماید از این منظر قالب نیمایی زمینه ساز ظهور شاعرانی مانند سهراب، فروغ، اخوان، توللی، نادرپور، شاملو و دهها شاعر مدرن و نیمه مدرن در دوران معاصر است و توانست با نشان دادن راهی نو هم در مضمون و هم در فرم شعر، زمینه بروز خلاقیتها و زیبایی های زبان فارسی را در دوران معاصر استمرار دهد، نام و یاد بزرگان ایران زمین به نیکی باد.

ادامه تیتر اول

گرگان‌رود، شرایط دشت، ظرفیت عبور روان‌آب‌ها، وضعیت حریم رودخانه و نقش آب‌های ورودی از بالادست، مجموعه‌ای از عوامل هستند که باید در یک برنامه جامع و پیوسته مدیریت شوند. مدیریت رودخانه‌ها نباید محدود به لایروبی‌های مقطعی و اقدامات نمایشی باشد. ساماندهی حوضه آبریز، حفاظت از پوشش گیاهی، مدیریت رسوبات، اصلاح سازه‌های تقاطعی و جلوگیری از ساخت‌وساز در حریم رودخانه‌ها، ضرورت‌هایی هستند که باید به‌صورت مستمر دنبال شوند. در شمال و شمال شرق استان، شرایط متفاوت اما به همان اندازه مهم است. گنبدکاووس و مناطق پیرامونی آن به دلیل موقعیت جغرافیایی و ارتباط با حوضه گرگان‌رود، در برابر تغییرات جریان آب و سیلاب‌های بالادست نیازمند پایش مستمر هستند.در کلاله، وضعیت مسیرهای روستایی، اراضی کشاورزی و آبراهه‌ها اهمیت ویژه‌ای دارد. در مراوه‌تپه نیز باید به آسیب‌پذیری روستاهای دوردست، وضعیت راه‌های دسترسی و ضرورت دسترسی سریع گروه‌های امدادی توجه کرد. نکته مهم آن است که بارندگی در مناطق بالادست ممکن است در پایین‌دست پیامدهایی ایجاد کند که با فاصله زمانی ظاهر شوند. بنابراین، هشدارهای سیلاب نباید به محل بارش محدود بمانند. مدیریت بحران باید حوضه‌محور باشد؛ یعنی آنچه در ارتفاعات رخ می‌دهد، هم‌زمان در تصمیم‌گیری‌های مناطق پایین‌دست نیز لحاظ شود. در علی‌آبادکتول و کردکوی، به دلیل مجاورت با ارتفاعات و شیب‌های طبیعی، مدیریت روان‌آب‌ها، فرسایش خاک، حفاظت از پوشش جنگلی و ایمن‌سازی راه‌های کوهستانی اهمیت دارد. در بندرگز، بندرترکمن و گمیشان، مسئله فقط بارندگی نیست. مدیریت آب‌های سطحی، زهکشی اراضی، وضعیت آبراهه‌ها و ارتباط میان منابع آب شیرین و محیط‌های ساحلی نیز باید مورد توجه قرار گیرد. در این مناطق، نباید با یک نسخه واحد برای تمام استان تصمیم‌گیری کرد. شرایط اقلیمی، توپوگرافی، نوع خاک، ظرفیت شبکه زهکشی و الگوی سکونت در مناطق مختلف گلستان متفاوت است. برنامه مدیریت آب باید برای هر شهرستان و هر حوضه آبریز، متناسب با ویژگی‌های طبیعی همان منطقه تدوین شود. بر اساس



گزارش خبرگزاری صداوسیمای گلستان در ۸ آبان ۱۴۰۵، مدیرعامل شرکت آب منطقه‌ای استان اعلام کرده است که بارندگی تجمعی مهرماه امسال نسبت به مدت مشابه سال گذشته ۱۲۶.۷ درصد و نسبت به میانگین دوره آماری ۵۵ ساله حدود ۱۰۰.۲ درصد افزایش داشته است. همچنین جریان رودخانه‌ها در حوضه گرگان‌رود ۲۰۶.۳ درصد و در حوضه اترک ۴۴.۲ درصد افزایش یافته است. از سوی دیگر، خبرگزاری مهر در دوم آبان از برآورد خسارت یک‌هزار و ۱۰۰ میلیارد تومانی سیلاب به راه‌های استان خبر داد. گزارش‌های دیگر نیز از خسارت‌های گسترده‌تر به زیرساخت‌های استان حکایت دارند. وقتی چنین ارقامی مطرح می‌شود، باید پرسید چه میزان از خسارت‌ها قابل پیشگیری بود؟ چه تعداد از پروژه‌های آبخیزداری و کنترل سیلاب به مرحله اجرا رسیده‌اند؟ کدام نقاط پرخطر همچنان بدون اصلاح باقی مانده‌اند؟ سهم دستگاه‌های مسئول در کاهش آسیب‌پذیری استان چقدر بوده است؟

نباید از یک واقعیت مهم غافل شد، بارندگی بیشتر، در صورت مدیریت صحیح، می‌تواند برای گلستان فرصت باشد.افزایش ذخایر سدها، تغذیه آبخوان‌ها، بهبود رطوبت خاک، تقویت منابع آب کشاورزی و احیای بخشی از ظرفیت‌های طبیعی استان، از جمله فرصت‌های احتمالی بارش‌های مناسب هستند.اگر بارش در مدت کوتاه و با شدت بالا اتفاق بیفتد، بخش زیادی از آب به‌جای نفوذ در خاک، به روان‌آب تبدیل می‌شود و همراه با رسوبات و گل‌ولای از دسترس خارج می‌شود. به همین دلیل، امروز و در وضعیت وقوع این پدیده ها در استان، آبخیزداری باید به یک اولویت اجرایی تبدیل شود.

حفاظت از جنگل‌های هیرکانی، جلوگیری از تخریب پوشش گیاهی، مدیریت چرای دام، اصلاح کاربری اراضی شیب‌دار، ایجاد سازه‌های مناسب کنترل رسوب و اجرای طرح‌های تغذیه مصنوعی آبخوان‌ها، از اقداماتی هستند که می‌توانند بهره‌وری بارش را افزایش دهند. در این میان، وضعیت سد وشمگیر و حوضه گرگان‌رود نیز باید با نگاه کارشناسی بررسی شود. مدیریت رسوبات، ظرفیت مفید مخزن، وضعیت انتقال آب و نقش سد در کنترل و تنظیم جریان، موضوعاتی نیستند که بتوان آنها را به جلسات مقطعی محدود کرد. از استاندار گلستان، شرکت آب منطقه‌ای، اداره‌کل منابع طبیعی، جهاد کشاورزی، اداره‌کل راهداری، شهرداری‌ها، مدیریت بحران و دستگاه‌های نظارتی انتظار می‌رود از موضع واکنشی خارج شوند و اقدامات خود را به‌صورت شفاف در معرض قضاوت افکار عمومی قرار دهند.

مطالبات مردم و کارشناسان روشن است

در اولین اقدام انتشار نقشه جامع خطر سیلاب استان را در دستور کار قرار دهید، مردم باید بدانند کدام مناطق، روستاها، جاده‌ها و محله‌ها در معرض خطر قرار دارند.لایروبی و ساماندهی هدفمند رودخانه‌ها، به‌ویژه گرگان‌رود، چهل‌چای، مسیرهای آب‌بر شرق استان و آبراهه‌های شهری، با اولویت‌بندی علمی و نظارت محیط‌زیستی در دست اقدام فوری قرار گیرد.همچنین بازبینی فنی پل‌ها و آب‌گذرها ضرورت است، هیچ پل یا سازه‌ای نباید بدون ارزیابی ظرفیت عبور سیلاب و رسوبات رها شود. مورد بعدی اجرای جدی طرح‌های آبخیزداری به‌ویژه در ارتفاعات مینودشت، گالیکش، رامیان، علی‌آباد کتول و سایر مناطق مستعد تولید روان‌آب است.تقویت سامانه ی هشدار سریع نیز بسیار مهم است، هشدار باید به‌موقع، قابل فهم و قابل دسترس برای روستاییان و ساکنان مناطق پرخطر باشد.مورد بعدی بازنگری در ساخت‌وساز و تغییر کاربری اراضی است، تجاوز به بستر و حریم رودخانه‌ها و مسیل‌ها باید با برخورد قانونی و بدون ملاحظه متوقف شود. تدوین برنامه مدیریت خشکسالی در کنار سیلاب نیز اهمیت دارد، زیرا گلستان ممکن است در فاصله زمانی کوتاه با بارش‌های شدید و سپس کم‌آبی و تنش آبی مواجه شود.این مطالبات، خواسته‌هایی فراتر از توان دستگاه‌های اجرایی نیستند؛ بلکه بخشی از وظایف قانونی و مدیریتی آنها محسوب می‌شوند.

آنچه امروز اهمیت دارد، نه بزرگ‌نمایی خطر ال‌نینو است و نه وعده تبدیل بارندگی‌ها به فرصت طلایی؛ بلکه واقع‌بینی، برنامه‌ریزی و پاسخ‌گویی است. مدیران استان باید بدانند که مردم دیگر تنها به شنیدن خبر تشکیل ستاد بحران، برگزاری جلسه اضطراری و اعزام ماشین‌آلات قانع نیستند. مردم نتیجه می‌خواهند، دیگر نمی پذیرند شهر با نخستین بارندگی به آب‌گرفتگی گرفتار شود و یا روستایی در زمان بحران از دسترسی به خدمات درمانی و امدادی محروم بماند. ال‌نینو را نمی‌توان با هشدار مهار کرد و سیلاب را نمی‌توان با مصاحبه و وعده عقب راند؛ محک واقعی مدیریت استان، نه در پشت تریبون‌ها، که در میدان عمل رقم می‌خورد. آقای استاندار و مدیران گلستان، پیش از آنکه باران، ضعف تدبیرها را عیان کند و سیلاب، غفلت‌ها را به خسارت بدل سازد، از گفتار به میدان عمل بیایید؛ مردم دیگر وعده جبران نمی‌خواهند آنها فقط و فقط امنیت، آمادگی و تدبیری می‌خواهند که پیش از فاجعه به کار بیفتد، نه پس از آن.

افزایش ۲۰۰ مگاواتی ظرفیت تولید برق تا پایان امسال

افزایش ۲۰۰ مگاواتی ظرفیت تولید برق تا پایان امسال رییس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی گلستان با اشاره به اقدامات انجام‌شده برای جبران ناترازی انرژی در استان گفت: در ۲ سال اخیر حدود ۱۵۲ مگاوات ظرفیت جدید تولید برق در گلستان ایجاد شده و با تداوم روند توسعه نیروگاه‌های خورشیدی و گازی و ورود هفتگی ظرفیت‌های جدید به مدار پیش‌بینی می‌شود این میزان تا پایان سال به حدود ۲۰۰ مگاوات برسد. به گزارش روابط عمومی، قدرت‌الله عابدی ناترازی انرژی را یکی از مسائل مهم گلستان برشمرد و اظهار کرد: برای افزایش ظرفیت تولید برق استان در ۲ سال اخیر اقدامات مختلفی انجام شده که ۷۰ مگاوات آن از محل انرژی خورشیدی و حدود ۸۲ مگاوات از طریق نیروگاه‌های کوچک گازی تامین شده است.وی با بیان اینکه هر هفته حدود سه مگاوات ظرفیت جدید تولید برق وارد مدار می‌شود، افزود: برای تولید هر مگاوات برق حدود ۷۰ میلیارد تومان منابع مالی نیاز است که رقم قابل‌توجهی از منابع را به خود اختصاص می‌دهد. عابدی یکی دیگر از رویکردهای استان برای مدیریت ناترازی انرژی را افزایش راندمان نیروگاه‌ها عنوان کرد و خاطرنشان کرد: گلستان به‌دنبال آن است که با استفاده از فناوری سیکل ترکیبی و بدون افزایش مصرف انرژی، ظرفیت تولید برق نیروگاه‌ها را از هزار مگاوات به هزار و ۵۰۰ مگاوات برساند.وی توضیح داد: در این روش با استفاده از همان میزان انرژی مصرفی، امکان افزایش ۵۰ درصدی تولید برق نیروگاه‌ها فراهم می‌شود که می‌تواند ظرفیت قابل‌توجهی برای تامین نیاز انرژی استان ایجاد کند. رییس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی

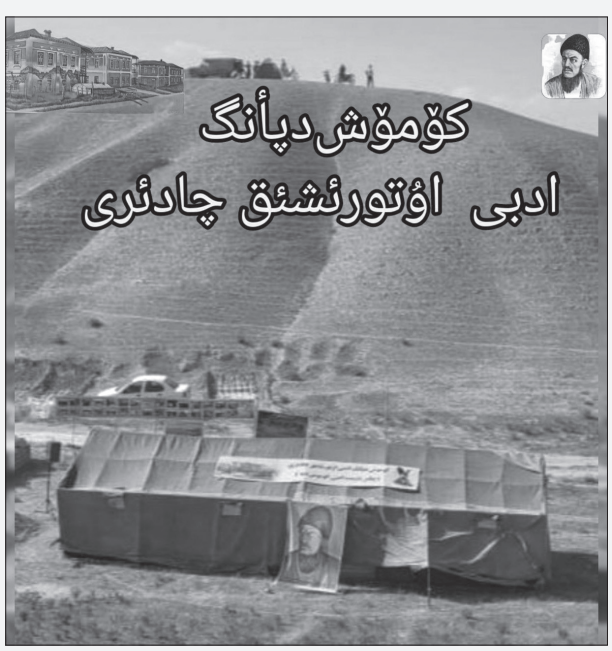


گلستان با اشاره به فاصله میان مصرف برق در شرایط عادی و اوج مصرف تاکید کرد: مصرف برق استان در شرایط عادی حدود ۵۰۰ مگاوات است اما این میزان در زمان اوج مصرف به هزار و ۸۰۰ مگاوات می‌رسد. عابدی ادامه داد: در فصل تابستان، به‌دلیل اولویت تامین برق بخش خانگی برخی واحدهای صنعتی در طول هفته و در بعضی مواقع با قطعی برق مواجه می‌شوند از این رو افزایش ظرفیت تولید برق استان می‌تواند ضمن کمک به تامین برق موردنیاز خانوارها، زمینه بهبود شرایط اشتغال، تداوم فعالیت کسب‌وکارها و ارتقای شاخص‌های بخش‌های مختلف را فراهم کند.رییس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی گلستان به اقدامات انجام‌شده برای تدوین اسناد توسعه استان اشاره کرد و توضیح داد: طی سال‌های گذشته اقداماتی با هدف ترسیم مسیر توسعه گلستان انجام شده که از جمله آن‌ها تدوین سند چشم‌انداز توسعه استان است که تصویر توسعه گلستان را در افق مشخص ترسیم می‌کند و محورهای اصلی توسعه را مشخص می‌سازد. عابدی با اشاره به مطالعات انجام‌شده در حوزه آبخیز گفت: سال گذشته مطالعاتی در این زمینه با همکاری دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی انجام شد.رییس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی گلستان همچنین از پیگیری تدوین سند مشترک توسعه استان‌های شمالی خبر داد و بیان کرد: در حال حاضر نشست سه‌جانبه‌ای با استان‌های شمالی در دستور کار قرار دارد تا سند توسعه و نظام مسائل مشترک این استان‌ها ترسیم و برای اجرا به استانداران و مجمع نمایندگان استان‌های شمالی پیشنهاد شود.

دولت به تعهدات خود برای توسعه گلستان پایبند است



معاون هماهنگی امور اقتصادی استاندار گلستان با اشاره به تداوم فعالیت‌های اقتصادی و عمرانی کشور در شرایط جنگ و تحریم گفت: دولت چهاردهم با وجود فشارها و محدودیت‌ها، مسیر تامین نیازهای مردم، حمایت از تولید و اجرای طرح‌های توسعه‌ای را دنبال می‌کند و به تعهدات خود برای رشد و توسعه گلستان پایبند است.به گزارش روابط عمومی، عبدالعلی کیانمهر در همایش «روابط عمومی در بزنگاه بحران»، روابط عمومی‌ها را پل ارتباطی میان مردم و مسوولان دانست و اظهار کرد: اطلاع‌رسانی به‌موقع و دقیق درباره اقدامات و عملکرد دستگاه‌ها نقش مهمی در افزایش اعتماد عمومی دارد و این اهمیت در شرایط بحران دوچندان می‌شود. وی با تاکید بر ضرورت روایتگری به‌موقع افزود: در بزنگاه‌های حساس مجموعه‌ای موفق عمل می‌کند که بتواند روایت نخست را به افکار عمومی منتقل کند و اگر اطلاع‌رسانی به‌موقع انجام نشود زمینه برای روایت‌سازی و انتقال اخبار تحریف‌شده از سوی دشمن فراهم می‌شود.معاون هماهنگی امور اقتصادی استاندار گلستان با اشاره به شرایط فعالیت دولت چهاردهم بیان کرد: این دولت از ابتدای فعالیت خود با جنگ، حوادث تلخ دی‌ماه، تحریم‌ها و فشارهایی با هدف جلوگیری از تامین نیازهای کشور مواجه بوده اما با وجود این شرایط در تامین امنیت غذایی و معیشت مردم عملکرد خوبی داشته و کمبودی در بازار مشاهده نشده است. کیانمهر با تفکیک وظایف رسانه‌های مستقل و روابط عمومی دستگاه‌های اجرایی گفت: رسانه مستقل وظیفه روایتگری دارد اما روابط عمومی‌ها باید اقدامات و عملکرد دولت و دستگاه‌های اجرایی را به مردم اطلاع دهند و تاخیر در اطلاع‌رسانی موجب می‌شود فرصت روایت‌سازی به دشمن واگذار شود و دستاوردها و اقدامات انجام‌شده آن‌گونه که باید به اطلاع مردم نرسد.وی با اشاره به حدود ۲۰ ماه فعالیت دولت چهاردهم در گلستان بیان کرد: در این مدت تلاش شده ارتباط مستقیم با مردم حفظ شود و پاسخگویی به تماس‌های تلفنی و پیامک‌های شهروندان در دستور کار قرار داشته است.معاون هماهنگی امور اقتصادی استاندار گلستان منطقه آزاد اینچه‌برون را یکی از مسیرهای ورود کالاهای اساسی به کشور برشمرد و گفت: در کمتر از ٦ ماه بیش از ۱۲ هزار کانتینر از این مسیر وارد کشور شده. همچنین مجوزهای مربوط به واردات و صادرات در استان در کمتر از ۲ ساعت صادر شد که این روند زمینه تسهیل فعالیت فعالان اقتصادی را فراهم کرده است.معاون هماهنگی امور اقتصادی استاندار گلستان با اشاره به حجم پروژه‌های هفته دولت در استان گفت: در این برهه بیش از ۵۲ هزار میلیارد تومان پروژه در گلستان افتتاح یا کلنگ‌زنی شد که حدود هفت هزار میلیارد تومان آن به حوزه صنعت برق اختصاص داشت و این اقدامات در شرایطی انجام شد که کشور با وضعیت جنگی و فشارهای اقتصادی روبه‌رو بود.رییس اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی گلستان نیز در این مراسم با اشاره به اهمیت ارتباطات و اطلاع‌رسانی در شرایط پیچیده اقتصادی اظهار کرد: روابط عمومی در شرایط کنونی تنها ابزار اطلاع‌رسانی نیست بلکه یکی از ظرفیت‌های مهم سازمان‌ها و نهادها برای ایجاد اعتماد، تقویت ارتباطات و مدیریت صحیح بحران به شمار می‌رود.امیر یوسفی با اشاره به قدمت حدود ۱۰۰ ساله اتاق بازرگانی گرگان گفت: این مجموعه در طول فعالیت خود تلاش کرده نقش موثری در مسیر توسعه اقتصادی استان ایفا کند و امروز نیز با تکیه بر ظرفیت‌های ارزشمند کشاورزی، صنعتی و تجاری گلستان و موقعیت جغرافیایی آن فرصت‌های قابل توجهی برای گسترش فعالیت‌های اقتصادی پیش‌رو دارد. رییس اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی گلستان توسعه کریدور ریلی شمال به جنوب و ظرفیت‌های منطقه آزاد تجاری–صنعتی اینچه‌برون را از فرصت‌های مهم اقتصادی استان برشمرد و بیان کرد: این ظرفیت‌ها می‌تواند زمینه مناسبی برای توسعه تجارت، جذب سرمایه‌گذاری و گسترش صادرات گلستان فراهم کند.یوسفی با تاکید بر ضرورت معرفی توانمندی‌های اقتصادی استان تاکید کرد: با وجود برخورداری گلستان از ظرفیت‌های ارزشمند کشاورزی و تجاری، این استان در سال‌های گذشته با محدودیت‌هایی در مسیر توسعه سرمایه‌گذاری مواجه بوده و بخشی از محصولات کشاورزی استان به دلیل برخی سیاست‌های اقتصادی و قیمت‌گذاری دستوری با قیمتی کمتر از ارزش و ظرفیت واقعی خود وارد چرخه اقتصاد کشور شدند که این موضوع بر روند توسعه اقتصادی گلستان تاثیر گذاشته است.وی با بیان اینکه باید از ظرفیت‌های کشاورزی استان در کنار توسعه صنعت، تجارت و سرمایه‌گذاری استفاده شود، گفت: منطقه آزاد تجاری–صنعتی اینچه‌برون فرصت ارزشمندی برای تغییر مسیر توسعه استان و گسترش ارتباطات اقتصادی با بازارهای منطقه‌ای و بین‌المللی فراهم کرده است. رییس اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی گلستان با اشاره به نقش رسانه‌ها و روابط عمومی‌ها در تقویت فضای اقتصادی استان توضیح داد: اطلاع‌رسانی دقیق، معرفی ظرفیت‌های گلستان و انعکاس اقدامات و مطالبات اتاق بازرگانی می‌تواند در تغییر نگاه به استان افزایش شناخت از توانمندی‌های آن و جذب سرمایه‌گذاری موثر باشد.



اولین تیزر مستند "از کوموش‌دپه تا آق‌تُوقای" منتشر شد

مستند از کوموش دپه تا آق توقای با همت و تلاش هنرمندان چادر فرهنگی‌ادبی کوموش‌دپه ساخته شده است،این اثر هنری که داستانِ مشتاقان مختومقلی فراغی، شاعر فقید ترکمن، را روایت می‌کند که هر ساله برای برگزاری مراسم با چالش ها و مشکلات فراوانی مواجه هستند .گفتنی است این مستند خاص که به زودی اکران می شود مخاطبین خاص خود را با مسائل و چالش‌های فکری مختلف درگیر خواهد کرد.

معماری داستان امروز

متافیکشن؛افشای شعبده‌بازی رمان در پیشگاه مخاطب (۱۳)

یوسف قوجّق

دهه‌ها بود که قرارداد نانوشته رمان‌نویسی بر پایه «باورپذیری و توهم واقعیت» استوار می‌شد؛ یعنی نویسنده تمام توانش را به کار می‌بست تا مخاطب فراموش کند در حال خواندن کلمات کاغذی است. اما شگرد «متافیکشن» یا فراداستان، این پرده فریبنده را بی‌رحمانه پس می‌زند. در این تمهید، نویسنده فرآیند آفرینش متن، دشواری انتخاب واژه‌ها و تردید در پیشبرد سرنوشت قهرمان را مستقیماً به موضوع اصلی رمان بدل می‌سازد. در شاهکارهای فراداستانی مانند کارهای «جان فاولز» یا «رابرت کوور»، راوی ناگهان در میانه صحنه عاشقانه مکث می‌کند و می‌گوید: «می‌توانستم بگذارم او سوار قطار شود، اما دستم روی صفحه کلید لرزید.» این فاصله‌گذاری برشتی در داستان، مخاطب را از حالتِ مَسخ‌شدگی نجات می‌دهد و او را در مقام شریک فکری و معماری مشترک اثر می‌نشاند. رمان بدین ترتیب، نه صرفاً بازتابی از جهان، بلکه موضوعی برای پرسش از امکان و چیستیِ خودِ واقعیت و بازنمایی زبانی می‌شود. اما خطر مهلک کارگاهی چیست؟ خودشیفتگی نویسنده و غرق شدن در بازی‌های لوس روشنفکرانه. یعنی فراداستان نباید به محملی برای توجیه تنبلی در خلق پیرنگ یا ناتوانی در شخصیت‌پردازی بدل شود. مخاطب برای خواندن یادداشت‌های خصوصی نویسنده پول نداده است؛ او فراداستانی را ارج می‌نهد که شکستن توهم واقعیت در آن، پرسشی بنیادین درباره دروغ‌های سیستماتیک سیاست، تاریخ و زبان بگشاید. شکستن قاب عکس زمانی باشکوه است که تصویر درون قاب، حقیقتی تکان‌دهنده را آشکار سازد، نه آنکه صرفاً شوخی بی‌حاصلی با شیشه شکسته باشد.

انگورهای حجاب‌دار



علی درزی –دبیر صفحه

بالاخره می‌توان ادعا کرد از ملغمهٔ ایرانِ پارادوکسیکال فیلمی درست ساخته شد. محبوبه غلامی به دلیل اتفاقات ناخوشایند زندگی و دو سال قرنطینه و اتفاقات ۴۰۱ گوشهٔ عزلت گنجیده ولی، به دلیل بی‌پولی خانه‌اش را به مدت پنج روز در اختیار یک گروه فیلمبرداری قرار می‌دهد تا فیلم کوتاهی در خانه‌اش بسازند. فیلم ادعای خاصی ندارد و به ظاهری ساده داستان خطی‌اش را نشانمان می‌دهد و لایهٔ بیرونی قصه‌اش را که مربوط به کشمکش‌های گروه فیلمبرداری با صاحب لوکیشن است، با جذابیت فیلم تو فیلم برایمان تعریف می‌کند، محبوبه برای همکاری با گروه فیلمبرداری، یک سری قوانینی که مربوط به حریم خصوصی‌اش در خانه است را در قرارداد ذکر می‌کند تا همهٔ تیم رعایت کنند ولی، این قوانین شکسته می‌شوند. محبوبه به جای این‌که به مرز عصبانیت یا فسخ یا دعوا و درگیری برسد، رفته رفته با گروه اخت می‌شود و کم‌کم به زندگی روتین گذشته‌اش برمی‌گردد، حتی حاضر می‌شود با ترس تنها ماندن بعد از مرگ سگش هم مواجه شود، دوباره مجسمه سازی کند و به بچه‌ها آموزش دهد و ... به موازات زندگی شخصی محبوبه، موضوع فیلم کوتاهی هم که در حال ساخته شدن است، یک جنبهٔ پوسته‌ای دارد. پوستهٔ مفهوم هنر در ایران. جوانان عاشق مهاجرت کرده از شهرستان‌ها که ده سال از عمر خود را صرف پیدان کردن راهی به سینما صرف کرده‌اند اما چیزی جز کار در سالن آرایش و رانندهٔ هدیه تهرانی شدن و بازی در فیلم‌های کوتاه بدون دستمزد و مهریهٔ طلاق نسیبشان نشده. هنر در ایران به معنی منفی کلمه یعنی: دیوانگی و بر فنا دادن زندگی.

دو مثال بسیار خوب در این فیلم، مفهوم و معنای درست هنرمند و مخاطبان هنر در ایران را مشخص می‌کند. پدر محبوبه که مکانیک ماشین‌های صنعتی بوده، نقاشی‌هایش را نمی‌فروخت، به این موضوع باور داشت که نباید هنر را فروخت، آن‌ها را به دوستانش هدیه بدهد تا در خانهٔ آن‌ها زندگی کنند.

)نظری که اکثریت قریب به اتفاق مردم با آن موافقند، نمی‌خواهند پولی به ازای هنر بدهند، چرا که آن را سهل و فاقد ارزش مادی می‌دانند.(

بازیگر زن فیلم کوتاه که مجبور است در سالن آرایشگاه کار کند، از فرط خستگی که شب‌ها به خانه‌اش می‌رسد، نای دیدن فیلم یا خواندن دو صفحه کتاب را ندارد، جالب این‌جاست همان مشتری‌هایش مدام به او می‌گویند: کی فیلمتون رو توی سینما می‌بینیم؟! (هنرمند برای مخاطبی خلق می‌کند که همواره همان مخاطب در حال نقض هنرمند است.)

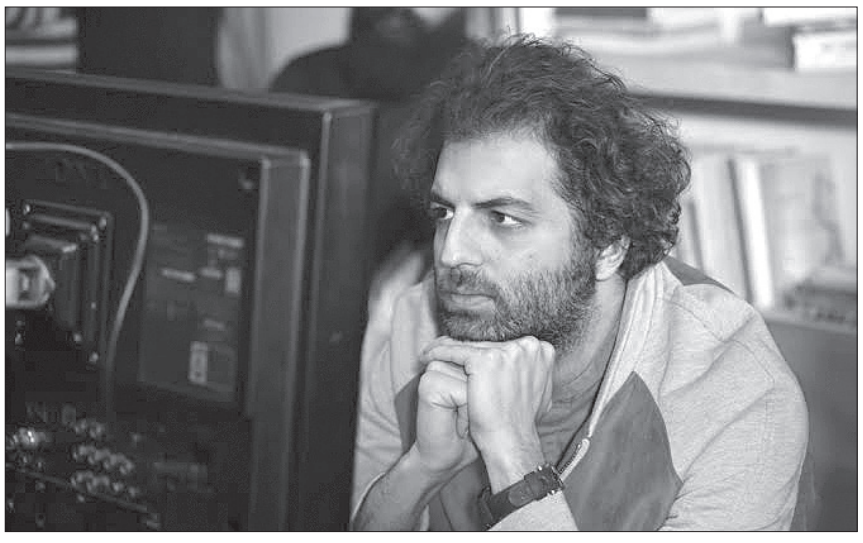
اما در لایهٔ زیرین، فیلم تبدیل به یک فیلم فرمیک منحصر به فرد می‌شود.

فرمیک نه به معنای فیلم‌های خاص با قاب‌های ثابت و طولانی و کج و معوج، یا نه به معنای کارهای شهرام مکری که شکستن قوانین بنیادی مثل زمان و یا مخلوط شدن فیلم و پشت صحنه فیلم با هم باشد، خیر! هیچکدام از این ادعاها را نمی‌کند. در وهلهٔ اول باید گفت، فیلم در فرم خودش چیزی شبیه به بازی کیارستمی از زندگی سبزیان در کلوزآپ است یا استفاده از فیلم تو فیلم‌هایش در سه گانه کوکر اما، در فرم و خواستهٔ ایران امروز!

من، مریم، بچه‌ها و ۲۶ نفر دیگر؛ به سادگی تمام بزرگترین معضل جامعه را به زبان سینما به تصویر می‌کشد. (توجه: خوانندهٔ غیر گلستانی! مثال از استان گلستان زده می‌شود، شما به ذهن خودتان آن را در مقیاس ایران عزیز تقریب بزنید.) بزرگترین معضل جامعهٔ ما نه آتش گرفتن مغازه‌های شهرداری بعد از حضور بابک زنجانی در گرگان است، نه تبدیل شدن دریای بندرگز به گزستان، نه لایه روبی خلیج گرگان است، نه سینماهای از دور خارج شده‌ای مثل کاپری. نه پلمپ شدن باشگاه‌های بدن سازی خانم‌ها. نه انبوه سازی است و نه شهر بازی. نه دو راهی سود/آلودگی کارخانه یُد است و نه عدم جواز ساخت و ساز در بافت کشاورزی که منجر به ارزشمند شدن زمین‌های استان بشود. نه قطع بی‌رویه درختان توسط کارخانه‌ها و نه قطعی گاز استان در ماه‌های پیش رو. (حتی نه خبر حمله به قشم و سوسنگرد.)

آن‌چه مشکل ماست، تبدیل شدن قوانین و هنجارها به امری کاملا پارادوکسیکال است. واژهٔ پارادوکسیکال هم برای رساندن معنای این مشکل اساسی کم است. باید از یک ترکیب غلط برای این درد اساسی استفاده کنم و آن هم پارادوکسیکالِ متناقض‌نماست.

اما معنای این ترکیبِ غلط: وقتی در شهر عبور می‌کنید به



جعبه‌های انگور سردشت دقت کرده‌اید؟ به دختران بعد از تعطیلی مدارس دقت کرده‌اید که مقنعه‌شان کجاست؟ به آمار سقط جنین در نوجوانان چه؟ به آمار مسمومیت الکل در اورژانس‌ها دقت کرده‌اید؟ به صورت رندوم، نسبت حجاب و عدم حجاب را در خیابان شمرده‌اید؟

چرا این مثال‌ها را زدم؟ چون اکثر این مثال‌ها دستمایهٔ کارگردان‌های معلوم الحالی مثل رسول اف و پناهی‌ها می‌شود که به زعم بعضی‌ها سیاه‌نمایی می‌کنند و به نظر برخی، رئالیسم واقعی جامعه را به رخ می‌کشند.

فیلم این بزرگواران در شماره‌های قبلی مورد نقد و بررسی قرار گرفت و به تفصیل گفتیم که فارغ از زعم اینوری یا نظر اونوری، ایشان فیلم‌های تاریخ مصرف داری ساخته‌اند که اگر از مخالفتشان با حکومت فاکتور بگیریم، چیزی جز عامل صفر کننده از اثرشان باقی نمی‌ماند. بارها در نقدها به فیلم‌های زیرزمینی‌ایی اشاره کردیم که از آن ور بوم افتاده‌اند. نتیجهٔ آن نقدها این‌گونه بود که هر فیلمی که در چهار سال اخیر با دغدغه حجاب ساخته شده باشد، صدها قدم از کف جامعهٔ اکنون ما عقب‌تر است؛ با یک دور زدن ساده در هر جایی از شهرتان می‌توانید این پارادوکس متناقض‌نما را مشاهده کنید. سینمای زیر زمینی پر شده از فیلم‌های بی جربزه‌ای که به بهانهٔ خوش آمدن جشنواره‌ها خوش رقصی می‌کنند.

اجازه بدهید از شاهکار پارادوکس متناقض‌نما یک مثال بزنم. دو بازیگر معروف خانم، چند وقت پیش در جشنواره‌ای خارجی شرکت کردند، ایشان در فیلمی بازی کرده بودند که در آن حجاب نداشتند، (فیلم غیر مجاز.) وقتی عوامل فیلم روی فرش قرمز ظاهر شدند، بزرگواران لچکی بر سر گذاشته بودند.

یعنی در ایران با عملی قانون شکنانه، بدون حجاب فیلم بازی کردند ولی در بلاد کفر که ممنوعیتی برایشان نداشت، لچک بر سر گذاشتند. (لچک به عنوان تمسخر یا تحقیر حجاب نیست، اگر حجابشان در جشنواره را دیده باشید، متوجه منظورم می‌شوید.)

درست است که من، مریم، بچه‌ها و ۲۶ نفر دیگر زیرزمینی ساخته شده است ولی موج سوار نیست، بهتر است بگویم که اینقدرها احمق نیست که با سوار شدن بر موج ممنوعه‌ها و سانسورها بخواهد خوش رقصی کند و هزاران پله به پایین برود. او با پیدا کردن یک فرم ساده، همهٔ این‌ها را نشانمان می‌دهد، نمی‌گوید. (وراجی نمی‌کند.) در فیلم می‌بینیم که روابط بین عوامل پشت صحنهٔ فیلم کاملا رئالیستی است، (همانی که ما در جامعه و کف خیابان می‌بینیم.) ولی جلوی دوربین موقع فیلمبرداری سکانسی، وقتی شال از سر بازیگر زن می‌افتد، کارگردان کات می‌دهد و تذکر می‌دهد که مراقب شالت باش که دیگر نیافتد!

(مثال عینیِ همین سکانس می‌شود برنامه‌ای برنامه‌های وزین علیَ ضیا در باضیا، همین اتفاق با مصاحبه شونده‌اش می‌افتد ولی، ایشان کات نمی‌دهد، قطع نمی‌کند، دوباره نمی‌گیرد، چرا؟ چون ایشان هم یکی از سردمداران حمایت از پارادوکسیکال متناقض‌نماست.)

در فیلم لِرد رسول‌اف ما، دلیل شراب هندوانه‌ای که شخصیت اصلی درست می‌کند را نمی‌دانیم، چرا؟ چون همانطور که گفتم ایشان متخصص استفاده از موضوعات ممنوعه هستند، هر چیزی که ممنوع باشد در فیلم ایشان هست ولی چنگ زدن‌های محبوبه به انگور سردشتی در این فیلم، منطق اقتصادی زندگی محبوبه را بیان می‌کند. گویا از این راه امرار و معاش می‌کند.

فیلم در پشت صحنه پردهٔ تازه‌ای از سینمای ایران برمی‌دارد، هر لحظه از تنها ماندن نوید و محبوبه ذهنمان را به سمت انواع و اقسام اتفاقات ناجور می‌برد، یا برخورد بد کارگردان با بازیگر زن، حین فیلمبرداری ...

فیلم هر چه جلوتر می‌رود، حالت رئالیستی بیشتری به خودش می‌گیرد، منظورم از رئالیسیتی یعنی، با قصه‌ای که نشانمان می‌دهد، فیلم خودش را از، بسیاری از قضاوت‌های نادرست و سوء ظن‌هایی که راجع به خودش (محیط سینما و مخصوصا فیلم‌های زیرزمینی) است، مبرّا می‌کند.

امیدی به حل مسائل پارادوکسیکال متناقض‌نما نیست، چرا که همین رویهٔ گنگ و دو لبه هر گزارهٔ موافق یا مخالفش را توجیه می‌کند، حتی تناقض خودش در طول زمان!

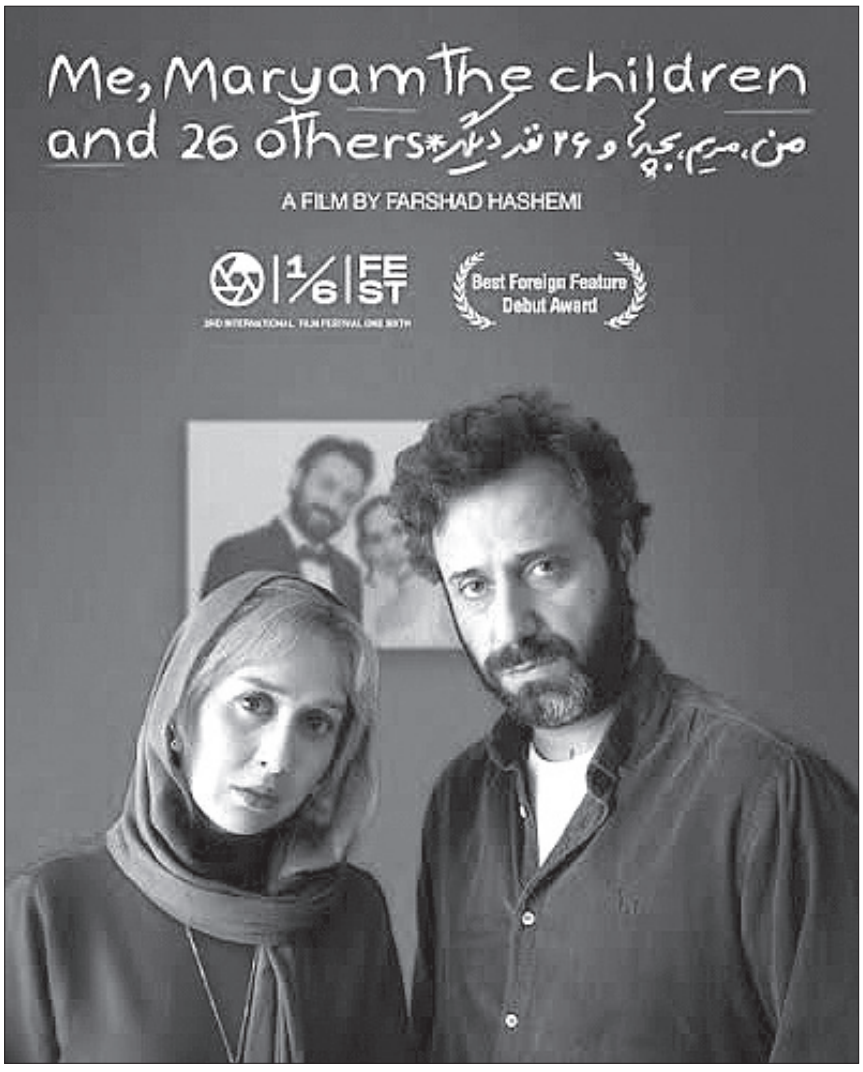
ولی خوشحال شدم که بالاخره یک فیلم زیرزمینی توانست خودش را از سندروم حجاب/برهنگی نجات بدهد و با اتخاذ فرمی هوشمندانه، علیه چیزی طغیان کند که مانند خوره، خودش را از درون می‌خورد.

نگاهی به فیلم «من، مریم و بچه‌ها و ۲۶ نفر دیگر» ساخته فرشاد هاشمی



سارینا صادقی

گاهی تنهایی با عادت کردن آدم‌ها به نبودنشان شکل می‌گیرد. آدم آن‌قدر در نظم شخصی و جهان کوچک خودش فرو می‌رود که حضور دیگری، پیش از آنکه نویدبخش یک ارتباط تازه باشد، به شکل برهم خوردن آرامش و تجاوز به حریم خصوصی‌اش ظاهر می‌شود. «من، مریم و بچه‌ها و ۲۶ نفر دیگر»، نخستین فیلم بلند فرشاد هاشمی، از همین نقطه آغاز می‌کند؛ از خانه زنی که سال‌هاست به تنهایی زندگی می‌کند و حالا ناچار است برای تأمین مخارج زندگی، درهای خانه‌اش را به روی گروهی از فیلم‌سازان باز کند. گروهی که قرار است تنها چند روز در خانه او فیلم کوتاهی بسازند، اما حضورشان به‌تدریج چیزی فراتر از یک قرارداد کاری را رقم می‌زند. محبوبه، زنی مجرد است که زندگی‌اش را با نظمی مشخص پیش می‌برد. خانه برای او صرفاً محل سکونت نیست؛ قلمرویی شخصی است که هر وسیله در آن جای خودش را دارد و هر تغییر کوچکی می‌تواند آرامش او را بر هم بزند. به همین دلیل، ورود گروه فیلم‌سازی در ابتدا با حساسیت و بدبینی او همراه است. محبوبه از آن‌ها می‌خواهد به قرارداد پایبند باشند، وسایل خانه را جابه‌جا نکنند و مراقب باشند چیزی آسیب نبیند. نگرانی او کاملاً قابل درک است؛ قرار است عده‌ای غریبه وارد خصوصی‌ترین فضای زندگی‌اش شوند و نظم تثبیت‌شده آن را برای چند روز تغییر دهند. با این حال، فیلم به‌تدریج نشان می‌دهد آنچه در معرض تغییر قرار گرفته، فقط چیدمان خانه نیست، بلکه وضعیت عاطفی زنی است که





مدت‌هاست ارتباطش با جهان بیرون محدود شده است. ورود گروه فیلم‌سازی به خانه محبوبه، در واقع ورود یک اجتماع کوچک به زندگی فردی و منزوی اوست. آدم‌هایی با خلق‌وخوها، دغدغه‌ها و روابط متفاوت که هرکدام بخشی از فضای خانه را اشغال می‌کنند. محبوبه در ابتدا بیشتر ناظر این جمع است؛ کسی که حضورشان را تحمل می‌کند، اما هنوز تمایلی به پیوستن به آن‌ها ندارد. با این حال، همین رفت‌وآمدها، گفت‌وگوهای پراکنده و موقعیت‌های روزمره، به‌تدریج فاصله میان او و دیگران را کمتر می‌کنند. فیلم برای نشان دادن این تغییر، به سراغ یک دگرگونی ناگهانی و اغراق‌شده نمی‌رود. محبوبه یک‌شبه به زنی اجتماعی و پرشور تبدیل نمی‌شود؛ او آرام‌آرام در معرض تجربه‌هایی قرار می‌گیرد که پیش از این از زندگی خود حذف کرده بود.

یکی از نکات قابل توجه فیلم، شیوه مواجهه آن با تنهایی است. هاشمی برای نشان دادن انزوای شخصیت اصلی به مونولوگ‌های طولانی یا تأکیدهای مستقیم و شعاری متوسل نمی‌شود. تنهایی محبوبه بیشتر در رفتارهای کوچک، حساسیت‌هایش نسبت به فضای خانه و نوع مواجهه‌اش با آدم‌های اطراف دیده می‌شود. گویی او به وضعیتی رسیده که دیگر حتی برای تغییر آن نیز انگیزه‌ای ندارد. در چنین شرایطی، مسئله فقط نداشتن همراه نیست؛ مسئله دشواری بازگشت به جهان ارتباطات است. گاهی آنچه انسان را از تنهایی بیرون می‌آورد، دقیقاً همان چیزی است که در دوران انزوا از آن فاصله گرفته: معاشرت، گفت‌وگو و پذیرفتن حضور دیگری.

از این منظر، گروه فیلم‌سازی در زندگی محبوبه کارکردی فراتر از شخصیت‌های فرعی داستان پیدا می‌کند. آن‌ها همچون آفتابی ملایم بر فضای سرد و منجمد زندگی او می‌تابند. این تعبیر البته نباید به معنای نجات دادن محبوبه به دست دیگران تلقی شود. فیلم بیش از آنکه درباره نجات یک زن باشد، درباره امکان دوباره ارتباط برقرار کردن او با جهان است. گروهی که برای ساخت یک فیلم کوتاه به خانه آمده‌اند، ناخواسته به بخشی از زندگی زنی تبدیل می‌شوند که شاید مدت‌هاست چنین جمعی را تجربه نکرده است. در این میان، سینما نیز بهانه‌ای برای شکل‌گیری این ارتباط است؛ نه لزوماً موضوع اصلی فیلم، بلکه بستری برای مواجهه آدم‌ها با یکدیگر.

عنوان فیلم نیز از همین منظر قابل تأمل است. اشاره به مریم، بچه‌ها و بیست‌وشش نفر دیگر، ما را با مجموعه‌ای از آدم‌ها و نسبت‌های انسانی روبه‌رو می‌کند که در کنار یکدیگر معنای تازه‌ای پیدا می‌کنند. فیلم در پی ساختن تصویری آرمانی از یک خانواده نیست، بلکه به شکل‌گیری نوعی خانواده موقت و انتخابی توجه دارد؛ جمعی که اعضایش الزاماً پیوند خونی یا عاطفی پیشینی با یکدیگر ندارند، اما در یک موقعیت مشترک به هم نزدیک می‌شوند. این همان جایی است که فیلم از روایت یک زن تنها فراتر می‌رود و به امکان شکل‌گیری اجتماع در دل زندگی روزمره می‌پردازد.

من، مریم و بچه‌ها و ۲۶ نفر دیگر فیلمی نیست که بخواهد موضع سیاسی مشخص و مستقیمی را به مخاطب اعلام کند. دست‌کم شیوه روایت آن بر پایه شعار و بیانیه‌نویسی بنا نشده است. با این حال، این به معنای فقدان نگاه اجتماعی یا بی‌تفاوتی نسبت به واقعیت‌های پیرامونش نیست. اتفاقاً فیلم در جزئیات روزمره، در نوع رابطه زنان با بدن و فضای شخصی‌شان و در محدودیت‌هایی که گاهی بدون نیاز به بیان مستقیم بر زندگی آن‌ها سایه می‌اندازند، حرف‌های قابل توجهی دارد. بعضی مسائل اجتماعی لزوماً با صدای بلند مطرح نمی‌شوند؛ گاهی کافی است فیلم موقعیتی را به نمایش بگذارد که در زندگی واقعی به‌سادگی از کنار آن عبور می‌کنیم. از این نظر، فیلم در لحظاتی موفق می‌شود بدون تبدیل شدن به یک اثر شعاری، صدای تجربه‌هایی باشد که کمتر مجال دیده شدن پیدا می‌کنند.

از سوی دیگر، خانه در این فیلم نقشی فراتر از یک لوکیشن دارد. خانه محبوبه امتداد شخصیت اوست؛ فضایی که خاطرات، عادت‌ها و حساسیت‌هایش در آن انباشته شده‌اند. بنابراین هر تغییری در این فضا، به‌نوعی تغییر در وضعیت درونی شخصیت نیز محسوب می‌شود. ورود عوامل فیلم‌سازی و برهم خوردن نظم خانه، در سطحی استعاری با برهم خوردن نظم زندگی محبوبه ارتباط پیدا می‌کند. او ابتدا می‌خواهد همه‌چیز همان‌طور باقی بماند که پیش از ورود گروه بوده است، اما به‌تدریج متوجه می‌شود که شاید حفظ دائمی این نظم، به قیمت حذف بسیاری از تجربه‌های تازه تمام شده باشد. در اینجا خانه از یک فضای بسته و محافظت‌شده به مکانی برای مواجهه، گفت‌وگو و تجربه تبدیل می‌شود. البته فیلم در اجرای ایده‌هایش همیشه به یک اندازه موفق نیست. یکی از ضعف‌های اصلی آن، استفاده بیش از اندازه از دیالوگ‌هایی است که گاهی ضرورتی برای پیشبرد روایت ندارند. بعضی گفت‌وگوها بیش از آنکه به شخصیت‌پردازی یا شکل‌گیری موقعیت کمک کنند، صرفاً اطلاعاتی را منتقل می‌کنند که فیلم پیش‌تر امکان نمایش آن‌ها را داشته است. این مسئله به‌خصوص در فیلمی که بخش مهمی از ظرفیتش در سکوت‌ها، رفتارهای کوچک و تغییرات تدریجی شخصیت اصلی قرار دارد، بیشتر به چشم می‌آید. گاهی احساس می‌شود فیلم به جای اعتماد کردن به تصویر و کنش، بیش از اندازه به توضیح دادن متوسل می‌شود. در نتیجه، برخی لحظات که می‌توانستند با ایجاز و تأثیر بیشتری همراه باشند، در میان مکالمات طولانی‌تر از حد لازم قرار می‌گیرند. مسئله دیگر، میزان باورپذیری و سرعت برخی تغییرات عاطفی است. هرچند فیلم در مجموع تلاش می‌کند تحول محبوبه را تدریجی نشان دهد، اما در بعضی لحظات فاصله میان وضعیت ابتدایی او و میزان صمیمیتی که با گروه پیدا می‌کند، کمی سریع به نظر می‌رسد. شاید اگر فیلم فرصت بیشتری برای پرداخت تنهایی پیشین محبوبه و ریشه‌های انزوای او اختصاص می‌داد، این تغییرات تأثیر عمیق‌تری پیدا می‌کردند. ما با زنی روبه‌رو هستیم که سال‌ها به یک شیوه زندگی خو گرفته و طبیعتاً تغییر چنین وضعیتی به زمان و مقاومت بیشتری نیاز دارد. شناخت دقیق‌تر گذشته او می‌توانست به درک بهتر این دگرگونی کمک کند.

از نظر فرمی نیز فیلم در پیوند دادن فضای واقعی خانه با فیلمی که درون آن ساخته می‌شود، ظرفیت‌های جالبی را مطرح می‌کند. این بازی میان واقعیت و بازنمایی، به‌خصوص با توجه به حضور خود کارگردان در نقش یکی از عوامل تولید، امکان تأمل درباره نسبت سینما و زندگی را فراهم می‌آورد.

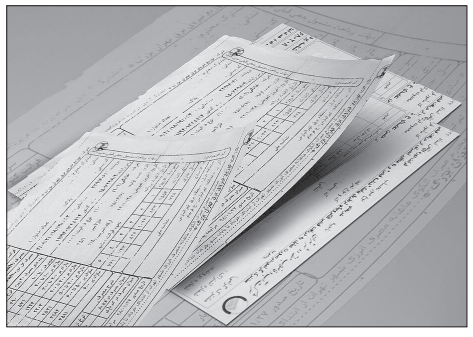
با این حال، کیفیت نسخه‌ای که از فیلم در یوتیوب در دسترس بوده، امکان ارزیابی دقیق برخی جزئیات بصری و فنی را محدود می‌کند. بنابراین بهتر است درباره کیفیت تصویر و ظرافت‌های فنی آن با احتیاط قضاوت کرد؛ هرچند ضعف‌های روایی و دیالوگ‌نویسی را نمی‌توان به کیفیت نسخه تماشا نسبت داد.

در نهایت، «من، مریم و بچه‌ها و ۲۶ نفر دیگر» را می‌توان فیلمی شریف و قابل تأمل دانست؛ اثری که بیش از آنکه در پی غافلگیر کردن مخاطب با اتفاقات بزرگ باشد، به جزئیات کوچک زندگی و امکان تغییر در دل همین جزئیات توجه می‌کند. فیلم نه کاملاً از ضعف‌های روایی و پرگویی در امان می‌ماند و نه می‌تواند تمام ظرفیت ایده مرکزی خود را به شکلی یکدست به تصویر بکشد. با این حال، نگاه انسانی آن به تنهایی و ارتباط، ارزش توجه دارد. محبوبه در طول فیلم فقط با چند آدم تازه آشنا نمی‌شود؛ او به‌تدریج امکان دیگری از زندگی را تجربه می‌کند.

شاید مهم‌ترین دستاورد فیلم نیز همین باشد: نشان دادن اینکه گاهی برای بیرون آمدن از انزوا، اتفاق خارق‌العاده‌ای لازم نیست؛ کافی است چند نفر وارد خانه شوند، چند گفت‌وگو شکل بگیرد و دری که مدت‌ها بسته مانده، اندکی باز شود. محبوبه برای من یادآور زنی است که می‌توان رد تنهایی و اشتیاق پنهانش به زندگی را در جهان شعری فروغ فرخزاد جست‌وجو کرد؛ زنی که شاید هنوز چیزی در درونش برای دوباره آغاز کردن باقی مانده است. فیلم فرشاد هاشمی اگرچه در رسیدن به تمام آنچه در آغاز وعده می‌دهد موفق نیست، اما همین امکان دوباره زاده شدن را به شکلی آرام و بی‌ادعا پیش چشم مخاطب قرار می‌دهد. در جهانی که آدم‌ها هر روز بیشتر به خلوت‌های شخصی خود پناه می‌برند، شاید گاهی حضور بیست‌وشش نفر دیگر بتواند چیزی را در زندگی یک نفر تغییر دهد.

حذف یک ماه تعرفه گرمسیری؛

داغ قبض بر دل گنبدی‌ها



شماری از مشترکان برق گنبدکاووس با گله از حذف یک ماه از سه ماه تعرفه «پله سوم» برق مناطق گرمسیری در تابستان امسال اعلام کردند: مصرف‌شان با تعرفه عادی و تصاعدی محاسبه شده که نتیجه‌اش، قبض‌های بالاتر از همیشه است.به گزارش ایرنا و مطابق داده‌های شرکت توانیر، ایران از نظر تعرفه برق به پنج اقلیم تقسیم‌بندی می‌شود که چهار اقلیم آن، گرمسیر به حساب می‌آیند ضمن اینکه در این میان حدود ۸۰ درصد از مشترکان در یک اقلیم غیرگرمسیر زندگی می‌کنند. مطابق تقسیم بندی اقلیمی انجام شده، اعمال تعرفه برق در مناطق گرمسیری کشور براساس چهار پله (یک تا چهار)، هر کدام برحسب شدت دمایی با مصارف تعیین شده و با قیمت کمتر از تعرفه عادی محاسبه می‌شود.در استان گلستان به‌سبب شرایط اقلیمی و گرمای بالای ۴۰ درجه، اعمال تعرفه سه و چهار برق گرمسیری در تابستان از سال ۱۳۸۳ تاکنون درحال اجراست.مطابق داده‌های شرکت توزیع نیروی برق گلستان هم اکنون آق قلا، گنبدکاووس، کلاله، مینودشت، گالیکش و مراوه‌تپه مشمول تعرفه سه و هشت شهرستان دیگر مشمول تعرفه چهار گرمسیری مصرف برق هستند. امسال اعمال تعرفه پله سوم گرمسیری در گنبدکاووس برای مشترکان خانگی، تجاری، صنعتی و خدماتی از ۱۵ خرداد آغاز شد و تا ۱۵ شهریور ادامه داشت و مطابق سال‌های گذشته این تعرفه باید به‌صورت کامل در ماه‌های اشاره شده اجرا می‌شد که به‌گفته برخی مشترکین برق این شهرستان یک ماه آن یعنی از ۱۵ مرداد تا ۱۵ شهریور اعمال نشده است.این عده از مشترکین برق گنبدکاووس معتقدند که صدور قبض برق مصرفی آنها در زمان سه ماه تعرفه پله سوم گرمسیری یا باید در قالب یک قبض سه ماهه و یا سه قبض یک ماهه صادر شود تا شهروندان متضرر نشوند.به گفته آنها، اداره برق گنبدکاووس برای برخی مشترکان بویژه در نواحی شهری قبض ۲ ماهه صادر می‌کند که با این شیوه زمان‌بندی و صدور قبض توسط اداره برق گنبدکاووس مشترکان این شهرستان بویژه دربحث تعرفه پله سوم گرمسیری متضرر شده و در نتیجه بهای بالاتر و بعضا چند برابری پرداخت می‌کنند. یکی از مشترکین برق گنبدکاووس گفت: برق مصرفی خانه ما در زمان تعرفه پله سوم گرمسیری و از ۱۲ خرداد تا ۱۱ مرداد که اوج گرما و مصرف برق بود، ۸۶۵ هزار تومان صادر شد اما قبض جدید برق خانه ما در بازه زمانی ۱۱ مرداد تا هفت مهر که ۳۵ روز آن در زمان تعرفه گرمسیری بود، حدود ۲ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان صادر شده است.خانم حیدرزاده با انتقاد از عدم محاسبه برق مصرفی ۳۵ روز از زمان تعرفه گرمسیری، اضافه کرد: باوجود مراجعه به اداره برق نه تنها هیچ ترتیب اثر و یا پاسخ قانع کننده دراین خصوص داده نشد بلکه چند پیامک اخطار قطع برق هم برای ما ارسال شد.حیدرزاده ادامه داد: تعداد زیادی از مشترکان برق گنبدکاووس هم نسبت به عدم لحاظ یک ماه تعرفه پله سوم گرمسیری و ارسال قبض‌های بالاتر از حد معمول انتقاد داشتند اما یکی از متصدیان این اداره گفت باید در زمان پایان زمان تعرفه گرمسیری یعنی ۱۵ شهریور نسبت به درخواست صورت‌حساب و پراخت آن اقدام می‌کردید.این شهروند گنبدی گفت: اگر چنین اقدامی باید توسط مشترکین انجام می‌شد چرا اداره برق گنبدکاووس همانند ارسال پیامک قبض برق مصرفی یا پیامک هشدار قطع برق برای مشترکین، دراین خصوص به آنها اطلاع رسانی و برایشان پیامک ارسال نکرده است.یکی دیگر از مشترکین برق گنبدکاووس هم که قبض هفت میلیون تومانی بابت مصرف ۲ ماه برایش ارسال شده بود، گفت: بهای قبض فعلی که میزان مصرف آن تقریبا مشابه قبض دوره قبلی (نیمه خرداد تا نیمه مرداد) است، چهار برابر شده درحالی که بیش از یک ماه آن باید با تعرفه پله سوم گرمسیری محاسبه می‌شد.مجید اکبرپور افزود: امسال شرکت برق حجم مصرف برق تعرفه پله سوم گرمسیری از ۱۰۰۰ کیلووات در ماه را به ۶۰۰ کیلووات کاهش داده و بقیه مصرف را به‌صورت پلکانی و تا ۱۰ برابر قیمت عادی محاسبه کرده است.وی اضافه کرد: در قبض جدید شرکت برق تا ۲۰۰ کیلووات مصرف را با نرخ ۶۶۲ تومان، از ۲۰۰ تا ۳۰۰ کیلووات مصرف را با نرخ ۱۹۸۸ تومان، از ۳۰۰ تا ۵۰۰ کیلووات مصرف را با نرخ ۳۳۱۴ تومان و بالاتر از ۵۰۰ کیلووات را ۶۶۲۸ تومان محاسبه و از مشترکین دریافت می‌کند.اکبرپور با انتقاد از محاسبه اینچنینی برق مصرفی، ادامه داد: بسیاری از مردم با مشکلات اقتصادی و معیشتی مواجه‌اند، افرادی که حداقل افزایش سالانه حقوق کارگری یا کارمندی آنها ۲۰ تا ۳۰ درصد است، پرداخت قبض‌هایی با مبالغ چند برابری در توان آنها نیست.یک شهروند دیگر گنبدی هم علاوه بر انتقاد از عدم اعمال یک ماه تعرفه پله سوم گرمسیری، گفت: در قبض جدید علاوه بر بهای برق مصرفی، ۲۰ درصد هم در قالب «مالیات بر ارزش افزوده، عوارض برق مصرفی، هزینه سوخت نیروگاهی، بیمه و بیمه حوادث طبیعی» اضافه شده است. خانم سیفی افزود: از زمانی که قبض‌های کاغذی حذف و صورت حساب‌های مصرفی پیامکی شده، شرکت‌های خدماتی آب، برق، گاز و تلفن هر رقمی که دوست دارند را در قبض‌ها می‌آورند و خیلی از مردم هم بدون اطلاع از آن و به‌دلیل اینکه اعتراض آنها هم راه به جایی نمی‌برد، مجبور به پرداخت هستند.وی با تاکید بر ضرورت اطلاع رسانی صحیح و چندباره شرکت‌های خدماتی بویژه آب، برق و گاز، اضافه کرد: افزایش به یک باره چند برابری تعرفه‌های مصرفی آب و برق صحیح نیست و اعتماد عمومی مردم را نسبت به نظام و مسوولان کاهش می‌دهد. رئیس اداره توزیع نیروی برق گنبدکاووس هم، ضمن تایید افزایش تعرفه برق مصرفی مشترکان گفت: اعمال تعرفه پله سوم گرمسیری سال‌هاست که در این شهرستان درحال اجراست و بسیاری از مشترکان پس از پایان مهلت زمان استفاده از این تعرفه، اقدام به دریافت صورت‌حساب و پرداخت آن می‌کنند تا متضرر نشوند. سیدعلی اکبر حسینی فرد افزود: این اداره چند بار از طریق فضای مجازی به مردم درخصوص پایان زمان تعرفه گرمسیری اطلاع رسانی کرده اما پیامک خاصی برای مشترکان ارسال نکرده است.وی ارائه توضیحات بیشتر دراین خصوص را منوط به هماهنگی با روابط عمومی شرکت توزیع برق گلستان و دریافت پاسخ از آن نمود.

«آگهی ثبتی

آگهی اختصاصی موضوع ماده ۳ قانون وماده ۱۳ آیین نامه اجرایی تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۱۲۰۰۸۰۰۳۹۸۴ مورخ ۱۴۰۵.۰۶.۲۰ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی شهرستان آق قلا پرونده کلاسه ۱۴۰۴۱۱۴۴۱۲۰۰۸۰۰۱۱۶۶ تصرفات مالکانه و بلا معارض متقاضی علی ایزدی فرزند بهروز شماره شناسنامه ۱۶۰۳۶ کدملی ۴۹۷۹۲۰۰۶۲۱ صادره آق قلا در ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی به مساحت ۱۵۵۱.۸۵ مترمربع مفروز و مجزی شده جزئی از پلاک ثبتی شماره سه اصلی واقع در آق قلا، اراضی قریه کسلخه، بخش ۷ حوزه ثبت ملک شهرستان آق قلا تایید گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دونوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
تاریخ انتشارنوبت اول:دوشنبه:۱۴۰۵.۰۸.۰۴
تاریخ انتشارنوبت دوم:سه شنبه:۱۴۰۵.۰۸.۱۹
علی برقی کفیل اداره ثبت اسناد و املاک آق قلام الف:۷۹۴

آگهی اختصاصی موضوع ماده ۳ قانون وماده ۱۳ آیین نامه اجرایی تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۱۲۰۰۸۰۰۳۵۳۸مورخ ۱۴۰۵.۰۶.۰۵ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی شهرستان آق قلا پرونده کلاسه ۱۴۰۴۱۱۴۴۱۲۰۰۸۰۰۰۷۶۶ تصرفات مالکانه و بلا معارض متقاضی ایلیا توسلی فرزند ظاهر شماره شناسنامه و کدملی ۴۹۷۰۶۷۳۰۹۸ صادره آق قلا در ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی به مساحت ۶۲.۴۳ مترمربع مفروز و مجزی شده جزئی از پلاک ثبتی شماره ۲۵۰ فرعی از سه اصلی واقع در آق قلا، اراضی قریه آق، خیابان نماز، دور میدان زندگی، بخش ۶حوزه ثبت ملک شهرستان آق قلا از سهمی سند مالکیت مشاعی تایید گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دونوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
تاریخ انتشارنوبت اول:دوشنبه:۱۴۰۵.۰۸.۰۴
تاریخ انتشارنوبت دوم:سه شنبه:۱۴۰۵.۰۸.۱۹
علی برقی کفیل اداره ثبت اسناد و املاک آق قلام الف:۷۹۳

آگهی اختصاصی موضوع ماده ۳ قانون وماده ۱۳ آیین نامه اجرایی تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۱۲۰۰۸۰۰۳۵۳۱ مورخ ۱۴۰۵.۰۶.۰۵ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی شهرستان آق قلا پرونده کلاسه ۱۴۰۴۱۱۴۴۱۲۰۰۸۰۰۰۳۸۱ تصرفات مالکانه و بلا معارض متقاضی خانم قربان بی بی طعنه‌ء فرزند ارازقلی حاجی شماره شناسنامه ۹۷۶ کدملی ۴۹۷۹۵۲۳۱۲۹ صادره آق قلا در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۶۹۵۸۵.۶۷ مترمربع مفروز و مجزی شده جزئی از پلاک ثبتی شماره دو اصلی واقع در آق قلا، اراضی قریه طعنه، بخش ۷ حوزه ثبت ملک شهرستان آق قلا تایید گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دونوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
تاریخ انتشارنوبت اول:دوشنبه:۱۴۰۵.۰۸.۰۴
تاریخ انتشارنوبت دوم:سه شنبه:۱۴۰۵.۰۸.۱۹
علی برقی کفیل اداره ثبت اسناد و املاک آق قلام الف:۸۰۰

آگهی اختصاصی موضوع ماده ۳ قانون وماده ۱۳ آیین نامه اجرایی تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۱۲۰۰۸۰۰۳۴۹۳ مورخ ۱۴۰۵.۰۶.۰۳ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی شهرستان آق قلا پرونده کلاسه ۱۴۰۴۱۱۴۴۱۲۰۰۸۰۰۰۳۷۸ تصرفات مالکانه و بلا معارض متقاضی خانم قربان بی بی طعنه‌ء فرزند ارازقلی حاجی شماره شناسنامه ۹۷۶ کدملی ۴۹۷۹۵۲۳۱۲۹ صادره آق قلا در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۲۴۶۷۸.۷۰ مترمربع مفروز و مجزی شده جزئی از پلاک شماره ثبتی دو اصلی واقع در آق قلا، اراضی قریه طعنه، بخش ۷ حوزه ثبت ملک شهرستان آق قلا تایید گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دونوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
تاریخ انتشارنوبت اول:دوشنبه:۱۴۰۵.۰۸.۰۴
تاریخ انتشارنوبت دوم:سه شنبه:۱۴۰۵.۰۸.۱۹
علی برقی کفیل اداره ثبت اسناد و املاک آق قلام الف:۸۰۱

آگهی اختصاصی موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی برابر ماده ۳ و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف

برابر رای صادره هیئت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی تصرفات مالکانه بلامعارض:
۱- کلاسه ۱۴۰۵۱۱۴۴۱۲۰۰۱۰۰۰۶۳۷ تقاضای آقای قربان خمرپور به شماره شناسنامه ۱۰۱۲ و کدملی ۳۶۷۲۲۵۱۱۲۷ فرزند کاظم در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی که مقدار ۱ سهم از ۳۶ سهم عرصه آن وقف است بمساحت ۹۸۶۲.۷۸ مترمربع از پلاک شماره ۱۱۵- اصلی واقع در اراضی یالو بخش دو حوزه ثبت گرگان طبق رای صادره حکایت از انتقال از مالک رسمی به متقاضی دارد.
۲- کلاسه ۱۴۰۴۱۱۴۴۱۲۰۰۱۰۰۰۸۴۶ تقاضای خانم سکینه رضائی به شماره شناسنامه ۲۶۳۵۶ و کدملی ۲۱۲۰۲۶۳۲۷۲ فرزند بردی در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی که مقدار ۱.۵ دانگ مشاع از ۶ دانگ عرصه آن وقف است بمساحت ۱۵۸.۲۲ مترمربع از پلاک شماره ۱۲- اصلی واقع در اراضی قلعه حسن بخش ٤ حوزه ثبت گرگان طبق رای صادره حکایت از انتقال از مالک رسمی به متقاضی دارد. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله پانزده روز آگهی میشود از این رو اشخاصی که نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراض داشته باشند می تواند در تاریخ انتشار اولین آگهی بمدت دو ماه اعتراض خود را با ذکر شماره پرونده به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض به مرجع ثبتی دادخواست خود را به مرجع ذیصلاح قضائی تقدیم نماید.
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱٤۰۵.۰۸.۰٤
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱٤۰۵.۰۸.۱۹
جواد پورمند- رئیس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه یک گرگان- شناسه آگهی ۲۳۱۱۲۵۶

آگهی اختصاصی موضوع ماده ۳ قانون وماده ۱۳ آیین نامه اجرایی تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۱۲۰۰۸۰۰۴۸۴۲مورخ ۱۴۰۵.۰۷.۲۳ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی شهرستان آق قلا پرونده کلاسه ۱۴۰۵۱۱۴۴۱۲۰۰۸۰۰۰۰۲۰تصرفات مالکانه و بلا معارض متقاضی خانم هاجر بی بی نور توماج فرزند آق محمد به شماره شناسنامه ۸۳ کدملی ۴۹۷۹۹۶۶۰۲۰ صادره آق قلا در ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی به مساحت ٦٦.٤۰ مترمربع مفروز و مجزی شده جزئی از پلاک ثبتی شماره ۳٦٦ فرعی از یک اصلی واقع در آق قلا، کل آباد، خیابان شیرودی، بخش ۷ حوزه ثبت ملک شهرستان آق قلا از سهمی قول دردی میرزاعلی تایید گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دونوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
تاریخ انتشارنوبت اول:سه شنبه:۱۴۰۵.۰۸.۱۹
تاریخ انتشارنوبت دوم:سه شنبه:۱۴۰۵.۰۹.۰۹
احمد نبویان سرپرست اداره ثبت اسناد و املاک آق قلا ازطرف علی برقی م الف:۸۲۹

آگهی اختصاصی موضوع ماده ۳ قانون وماده ۱۳ آیین نامه اجرایی تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۱۲۰۰۸۰۰۴۵۲۶ مورخ ۱۴۰۵.۰۷.۰۹ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی شهرستان آق قلا پرونده کلاسه ۱۴۰۴۱۱۴۴۱۲۰۰۸۰۰۱۶۶۰ تصرفات مالکانه و بلامعارض متقاضی نورالدین شیرمحمدلی فرزند عاشور به شماره شناسنامه و کدملی ۴۹۷۰۲۱۶۵۸۴ صادره آق قلا در ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی به مساحت ۱۹۰ مترمربع مفروز و مجزی شده جزئی از پلاک ثبتی شماره ۱۳٤٤ فرعی از چهار اصلی واقع در آق قلا، اراضی قریه مرتع شوره زار، بخش ۷ حوزه ثبت ملک شهرستان آق قلا از سهمی حاجی قلی خیرخواه تایید گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دونوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
تاریخ انتشارنوبت اول:سه شنبه:۱۴۰۵.۰۸.۱۹
تاریخ انتشارنوبت دوم:چهار شنبه:۱۴۰۵.۰۹.۰۴
احمد نبویان سرپرست اداره ثبت اسناد و املاک آق قلا ازطرف علی برقی م الف:۸۳۲

صدای مخاطبان



سلام و درود. بنظرم باید بر لزوم اهتمام معلمان به ارتقاء مهارتهای شغلی و رفتاری و پرهیز شدید آنان ازخود تحقیری و آراستگی خود به کرامت و مناعت و فضایل اخلاقی و انسانی نیز توجه شود . علاوه بر آن باید به نقش طراحان نظام تعلیم و تربیت کشور که مسببان اصلی تضعیف جایگاه علم وعالم ومعلم بوده اند نیز پرداخته شود . طراحان نظام تعلیم وتربیت کشور با راه اندازی دانشگاه آزاد و طبقاتی کردن مدارس بویژه درمقطع متوسطه سهم بسزایی در اسقاط جایگاه علم وعالم ومعلم داشته اند. موفق باشید.



ممنون‌از تیتری که‌برای‌خانم آسیابان‌دوست‌داشتنی‌زدید.



مقاله تله تراکم حرف کارشناسی درستی زده است.

برای کشاورز گندم کیلویی حتی ۵۰ تومن بیشتر صرف داره تا پنبه ۱۸۰ تومن. هزینه های پنبه چندین برابر گندم هست
مالی انسانی کاشت برنج تا زمانیکه هست آنهم با این نگاه به بهره وری آب وانرژی کسی سراغ پنبه نمیره. همین سیاست های غلط کارخانه های پنبه رو بست.



سلام ودرودمجموعه تیم تخریب کننده ساخت وسازغیرمجاز هرازچندگاهی به روستاهای زیارت، توشن وشموشک حمله ور شده اقدام به تخریب میکنند‌درصورتیکه‌خلافهای‌آشکارباساخت‌وسازسربه فلک کشیده سایر روستاها درامان بوده وبراحتی وبدون خوف احداث بنادارند اخیرادرروستای شموشک جلوی چشم زن مسنی که برای حفظ محصول اطراف زمین رامحصورکرده بودبدون توجه به التماس وضجه وگریه اش اقدام به تخریب و ویرانی کردندمسئولین مربوطه بایدبدانندمحافظت ازمزارع ازقدیم الایام مرسوم بوده ولی درعصر وزمانه جدیدبه جای چپر وپرچین ازطریق ابزار وامکانات مرسوم صورت میگیرد‌باتوجه به اینکه دیگرکسی اجازه برداشت ازدرختان جنگلی ویامشابه آن رابرای ایجادحصارقدیمی ندارد‌پس به ناچارفنس وطوری جایگزین شده است لیکن متاسفانه امکانات جدیدهم‌درچرخه‌ممنوعه‌قرارداشته‌ودرنتیجه زمینهای زراعتی دربرابر هجوم جانوران وافرادمخرب بی دفاع رهامیشود.

بندر خواجه نفس در برنامه ی کلان کشوری هست؟

درباره رتبه گلستان در مدیریت کاش برای بذل رتبه، ازمردم استان نیزنظرخواهی کنند
باتشکرازشماوهمکارانتان



سلام و عرض ارادت،
نشست تحریریه روزنامه خیلی خوب و پربار بود، مطالب ارزنده و اظهارنظرات خوبی مطرح شد، استفاده بردیم. دستتان درد نکند. امیدوارم گلشن مهر سال‌ها پربار و بالنده باشد. سلامت و موفق باشید.
کاش در کتب درسی ما تاریخ بیهقی جایی داشت .. آنچه از تاریخ بیهقی به جا مانده، عبرتی است به ما (مسئولان) ...

یادداشت خانم سراوانی درباره دورهمی گلشن مهر فراتر از روایت یک دورهمی، به تبیین رسالت مطبوعات در قبال آگاهی عمومی و مطالبه‌گری اجتماعی می‌پردازد. قبلا درباره مطالبه گری نوشته بودید منظور از مطالبه گری اجتماعی پیگیری آگاهانه و مسئولانه حقوق و خواسته‌های مردم از مسئولان برای تحقق عدالت و بهبود شرایط جامعه. به نظر بنده سرکار خانم با نگاهی حرفه‌ای، بر استقلال رسانه، نقد منصفانه و ضرورت پاسخ‌گویی مسئولان تاکید دارید. نقطه قوت متن، پیوند دادن اعتبار روزنامه با اعتماد عمومی و مسئولیت اخلاقی صاحبان قلم است.با این حال، بهره‌گیری از نمونه‌های عینی مسائل استان گلستان می‌توانست به یادداشت عمق تحلیلی بیشتری ببخشد. ضمن اینکه نبود رسانه های مطالبه گر و حرفه ای در استان بسیار تلخ است و الحق چه درست گفتید در مجموع فکر میکنم این نوشته یادآور حقیقتی است که اعتبار رسانه نه با آنچه می‌گوید، بلکه با تاثیری است که بر آگاهی و اعتماد و سرنوشت جامعه می‌گذارد، سنجیده می‌شود. از مطالب شما لذت میبرم .
محمد مهدی شیخ

سلام .مواردیکه میتواند در گزارش فوق برجسته و اضافه گردد:
عدم توجه به آثار تورم و آزاد سازی نرخ ارز و چندبرابر شدن قیمت مواداولیه در محاسبات تسهیلات تخصیص واحدهای صنعتی براساس صورتهای مالی سال قبل. سیاست انقباضی بانک مرکزی و عدم تخصیص بودجه در یکماه اخیر . عدم رعایت نرخ تسهیلات ۲۳ درصدی توسط بانکها با اجبار واحدها به سپرده ومسدودسازی ۴۰ درصدی از تسهیلات در بانک و یا دریافت نرخهای مازاد ۱۲ الی ۱۴ درصدی بعنوان کارمزد علاوه بر نرخ ۲۳ درصد.سوق دادن واحدهای صنعتی به ترهین املاک شخصی مدیران بجای واحدصنعتی و یا امضای مدیران بنحوی که صنعتگر بسمت صرف منابع مالی خود در املاک شخصی بجای هزینه در واحد تولیدی خود میشود. طولانی شده پرداخت تسهیلات بنحویکه توجیه دریافت تسهیلات با افزایش قیمتها از بین میرود درنهایت با همین فرمان سقوط صنعت دیر نخواهد بود

درمورد زیرساخت ها که بهینه سازی منابع رو بدنبال داشته باشد کدام عقل وفکر وخرد در مدیریت شهری ما وجود داشته ودارد ؟ نه آدم باسوادش وتیم با خرد در اون سطح هست ونه بودجه اش هست .درمورد ترافیک بطور مثال علل چیه ؟ راه حل چیه ؟
درمورد برج سازی ودهها مشکلات پیامد اون چطور؟ علل چیه ؟ راه حل چیه ؟ لزوما برج سازی چیز بدی نیست مخالفت با سرمایه گذاری هم نیست صحبت بر سر استفاده درست از منابع وجاسازی بجا بارعایت های زیست محیطی هست.

درودی گرم جناب مکتبی عزیز.
تیتر اول امروز گلشن را خواندم «شبه نئولیبرالهای جهادی نما» نگارش جناب سیامک دربیگی (که احتمالا برادر مزدک دوربیگی است).عالی عالی عالی بود.بسیار پخته، تخصصی، مستدل و منطقی در حد تیترهای نشریات بزرگ ملی. پیام سپاس و تقدیر من را به عنوان یک شهروند به او برسانید از شما و همه بچه های گلشن مهر سپاسگزار و قدردانم. این جریان بلند مرتبه ساز همان سرمایه داران انبوه ساز و «بورژوازی املاک و زمین خوار دارای انباشت سرمایه» است که سود را نه در تولید و ایجاد اشتغال صنعتی، بلکه در سود سهل الوصول و زود رس دیده و در پیوند با فساد بخش اداری فشل شده است.

سلام ودرودبرنامه ابتکاری دورهمی تحریریه نشان ازنگاه مجموعه بویژه جناب آقای دکتراحسان مکتبی به خردجمعی واهمیت دادن به فعالان حوزه رسانه است سپاس ازبرنامه خوب شما

نه می‌توان هر نوع افزایش تراکم را به نام توسعه توجیه کرد و نه می‌توان هر نوع بلندمرتبه‌سازی را صرفاً به دلیل موقعیت مکانی یا ارتفاع ساختمان، مصداق سوداگری دانست.

درودبرشما . یادآوری روزهاوبرنامه هاوسنتهایی که پیام آورشادی ست،بافرهنگ وخردورزی می توان درجامعه انتشاردادامامتاسفانه آنهاکه بایدتوجه داشته باشندبیشترخواهان تالّم و....ملت هستند. ممنون ازشما،امیدکه موفق باشید

بسیار عالیست این پیشنهاد و جزمیت این اجازه را نخواهد داد و طبق روال و عملکرد گذشته باز هم فرصت سوزی خواهد کرد.
در جزمیت حاکم بر سیستم تصمیم ساز ان و تصمیم گیران کنونی، سازوکاری بنام همفکری و مشارکت وجود ندارد و حاصل ان هم بی اعتمادی عمیق حاکم بر جامعه، نسبت به حاکمیت تقریبا در همه امور، میباشد.



خواستم بگم از این همه نوشتن خسته نشدین استاندار و مسوولان استان مگر گوش شنوا دارند داشتم مطلب توسعه برای همه را می خواندم بخدا که استاندار اصلا کلاله را جزو استان نمیداند کلا ما را کنار گذاشته اند توسعه پیشکش ما از امکانات اولیه محرومیم

درباره یادداشت اقبال لاهوری باید بگویم اقای مکتبی شما اشتباهی رفتی لباس سیاست پوشیدید خرقه ادیبی و کاتبی بیشتر برازنده تان است.

اجتماعی. فرهنگی. سیاسی. اقتصادی. ورزشی
Email:golshanemehr۱@yahoo.com

» صاحب امتیاز: احسان مکتبی
maktabi.ehsan۴۸@gmail.com

» مدیرمسوول: مریم قرآنی
» سردبیر: محمد جواد مکتبی
» نشانی: گرگان ـ خیابان امام خمینی ـ پاساژ قدس ـ طبقه سوم
تلفکس: ۳۲۲۴۱۱۹۵ تلفن: ۳۲۲۴۴۳۰۲ ـ ۳۲۲۵۱۳۱۶ـ۰۱۷
» چاپ: افست گلشن مهر

گلشن مهر

سه شنبه ۱۹ آبان ماه ۱۴۰۵/ سال بیست و هشتم/شماره ۳۲۹۰

تاثیر استفاده از نیتروژن بر عمر لاستیک خودرو

کاهش مصرف سوخت و جلوگیری از تغییر دمای ناگهانی لاستیک از جمله مزایای ادعایی استفاده از گاز نیتروژن است؛ با این حال، دانستن محدودیت‌های این روش برای رانندگان جهت تصمیم‌گیری درست ضروری است. به گزارش ایرنا زندگی، باد نیتروژن در سال‌های اخیر به یکی از گزینه‌های پیشنهادی مراکز خدمات خودرو تبدیل شده است که با وعده‌هایی مانند کاهش افت فشار لاستیک، افزایش عمر تایر، کاهش مصرف سوخت و بالا بردن ایمنی رانندگی به مشتریان معرفی می‌شود. اما آیا استفاده از این گاز واقعا تفاوت چشمگیری در عملکرد لاستیک خودرو ایجاد می‌کند یا هوای معمولی هم می‌تواند همان کار را با هزینه کمتر انجام دهد؟

باد نیتروژن چیست و چرا برای لاستیک استفاده می‌شود؟

هوای معمولی که برای باد کردن لاستیک خودرو به کار می‌رود، خود حاوی حدود ۷۸ درصد نیتروژن و ۲۱ درصد اکسیژن است و مقدار کمی از آن را گازهای دیگر تشکیل می‌دهند. در مقابل نیتروژن مورد استفاده در مراکز خدمات خودرو با خلوص بالاتری عرضه می‌شود و میزان اکسیژن و رطوبت آن کمتر است.تفاوت اصلی این دو نوع باد در همین ترکیب گازی نهفته است. نیتروژن خشک و خالص به دلیل ویژگی‌های خود می‌تواند به کاهش سرعت افت فشار و محدود شدن برخی فرایندهای شیمیایی در داخل تایر کمک کند. این ویژگی‌ها در کاربردهایی که کنترل دقیق فشار و شرایط لاستیک اهمیت دارد، ارزش بیشتری پیدا می‌کنند. استفاده از نیتروژن در لاستیک خودروهای سواری نیز با همین هدف یعنی حفظ بهتر شرایط تایر و کمک به نگهداری مناسب‌تر از آن در طول زمان انجام می‌شود.

مزایای باد نیتروژن برای لاستیک خودرو

کاهش سرعت افت فشار لاستیک: یکی از مزایای مهم باد نیتروژن، کاهش سرعت افت فشار در مقایسه با هوای معمولی در شرایط مشابه است. گازها به مرور از ساختار لاستیک عبور می‌کنند و باعث کاهش فشار داخلی آن می‌شوند. استفاده از نیتروژن با خلوص بالا می‌تواند این روند را کندتر کند و به حفظ فشار مناسب برای مدت طولانی‌تری کمک کند.حفظ فشار صحیح اهمیت زیادی دارد، زیرا لاستیک کم باد هنگام حرکت بیشتر تغییر شکل می‌دهد و این موضوع می‌تواند موجب افزایش گرما، ساییدگی نامنظم و بالا رفتن مقاومت غلتشی (چرخش حول یک محور) شود. بنابراین کاهش سرعت افت فشار می‌تواند به حفظ شرایط مطلوب تایر کمک کند. البته این ویژگی به معنای بی‌نیازی از بررسی باد لاستیک نیست و فشار تایر باید به صورت منظم کنترل شود.

کاهش تاثیر رطوبت بر فشار لاستیک: یکی دیگر از ویژگی‌های نیتروژن، رطوبت کمتر آن در مقایسه با هوای فشرده‌ای است که ممکن است به درستی خشک نشده باشد. وجود رطوبت در هوای فشرده می‌تواند رفتار فشار گاز را در برابر تغییرات دما پیچیده‌تر کند. نیتروژن خشک، به ویژه در شرایطی که کنترل فشار اهمیت بالایی دارد، امکان مدیریت دقیق‌تر شرایط تایر را فراهم می‌کند. این موضوع در رانندگی‌های پرفشار و کاربردهای تخصصی اهمیت بیشتری دارد، زیرا دمای لاستیک در این شرایط تغییر می‌کند و کنترل وضعیت آن ضروری است.



کمک به کاهش اکسیداسیون اجزای داخلی تایر: اکسیژن می‌تواند در فرایند اکسیداسیون مواد لاستیکی نقش داشته باشد. کاهش میزان اکسیژن در داخل تایر، یکی از ویژگی‌هایی است که استفاده از نیتروژن را برای نگهداری بهتر لاستیک مطرح کرده است. نیتروژن با خلوص بالا می‌تواند تماس اجزای داخلی تایر با اکسیژن را کاهش دهد و به محدود شدن برخی فرایندهای تخریبی کمک کند. این موضوع در کنار کنترل فشار و رعایت شرایط مناسب استفاده از خودرو، می‌تواند در حفظ کیفیت اجزای داخلی لاستیک نقش داشته باشد.

کمک به حفظ تعادل فشار در طول زمان: ثابت ماندن نسبی فشار لاستیک در محدوده مناسب، یکی از عوامل مهم در عملکرد صحیح خودرو است. نیتروژن به دلیل سرعت کمتر نفوذ از ساختار تایر، می‌تواند به حفظ فشار برای مدت طولانی‌تری کمک کند. این ویژگی به خصوص برای رانندگانی که مسافت‌های طولانی طی می‌کنند یا از خودرو در شرایط کاری سنگین استفاده می‌کنند، اهمیت دارد. فشار مناسب به تماس صحیح لاستیک با سطح جاده کمک می‌کند و در ترمزگیری، فرمان پذیری و پایداری خودرو نقش دارد.مطالعات انجام‌شده درباره نیتروژن نیز نشان داده‌اند که این گاز می‌تواند میزان افت فشار را کاهش دهد، هرچند مقدار این تفاوت به نوع لاستیک و شرایط استفاده از آن بستگی دارد.

کمک به مدیریت حرارت در رانندگی طولانی

لاستیک هنگام حرکت به دلیل تماس مداوم با سطح جاده و تغییر شکل دیواره‌ها گرم می‌شود. اگر فشار باد کمتر از مقدار توصیه‌شده باشد، تغییر شکل تایر بیشتر می‌شود و گرمای بیشتری تولید می‌کند. این وضعیت می‌تواند به ساختار لاستیک آسیب برساند.نیتروژن خشک به دلیل نداشتن رطوبت قابل توجه، در شرایطی که کنترل دقیق فشار و دمای تایر اهمیت دارد، مزایایی دارد. این ویژگی در خودروهای مسابقه‌ای، وسایل نقلیه سنگین و برخی کاربردهای تخصصی بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرد. البته نیتروژن مانع گرم شدن لاستیک نمی‌شود و جایگزین تنظیم صحیح فشار باد نیست. حفظ فشار استاندارد، رعایت ظرفیت بار خودرو و پرهیز از سرعت نامتناسب همچنان از مهم‌ترین اقدامات برای کاهش خطر آسیب ناشی از گرما هستند.

کمک به محافظت از اجزای داخلی لاستیک و رینگ

کاهش اکسیژن و رطوبت داخل تایر می‌تواند در محدود کردن برخی فرایندهای اکسیداسیون موثر باشد. اکسیداسیون به مرور بر ویژگی‌های مواد لاستیکی اثر می‌گذارد و کاهش آن می‌تواند در شرایط مشخص به حفظ کیفیت اجزای داخلی تایر کمک کند. همچنین کاهش رطوبت ممکن است احتمال خوردگی برخی قطعات فلزی در معرض آن را کمتر کند. با این حال میزان محافظت از رینگ به جنس فلز، پوشش سطحی، شرایط محیطی و وضعیت محل اتصال لاستیک و رینگ وابسته است. بنابراین استفاده از نیتروژن را باید یکی از عوامل کمک کننده در نگهداری تایر دانست، نه راهکاری که به‌تنهایی مانع فرسودگی یا خوردگی می‌شود.

آیا باد نیتروژن مصرف سوخت را کاهش می‌دهد؟

فشار باد لاستیک با مصرف سوخت ارتباط دارد. هنگامی که لاستیک کم‌باد است، مقاومت غلتشی آن افزایش پیدا می‌کند و خودرو برای حرکت به انرژی بیشتری نیاز دارد. در نتیجه تنظیم صحیح فشار می‌تواند به کاهش مصرف سوخت کمک کند.نیتروژن با کمک به حفظ فشار در طول زمان، ممکن است به صورت غیرمستقیم در این زمینه موثر باشد، زیرا کاهش کمتر فشار می‌تواند احتمال رانندگی با لاستیک کم‌باد را کاهش دهد. این مزیت زمانی اهمیت پیدا می‌کند که راننده فشار باد را به‌طور منظم بررسی کند و تایرها در محدوده توصیه شده سازنده باشند. بنابراین نیتروژن می‌تواند در کنار نگهداری صحیح لاستیک به مدیریت مصرف سوخت کمک کند اما نباید انتظار داشت که صرفا با جایگزین کردن هوای معمولی، مصرف سوخت خودرو به میزان چشمگیری کاهش پیدا کند.

آیا باد نیتروژن از ترکیدن لاستیک جلوگیری می‌کند؟

حفظ فشار مناسب یکی از عوامل مهم در کاهش خطر آسیب به لاستیک است. تایری که با فشار نامناسب کار می‌کند، ممکن است بیش از حد گرم شود و در معرض خرابی قرار گیرد. از آنجا که نیتروژن می‌تواند به کاهش سرعت افت فشار کمک کند، استفاده از آن ممکن است در کنار مراقبت‌های دیگر به حفظ شرایط مناسب تایر کمک کند. با این حال ترکیدگی لاستیک تنها به فشار باد مربوط نیست. فرسودگی، بریدگی دیواره، اضافه‌بار، ضربه شدید به چاله‌ها و استفاده از تایر آسیب‌دیده نیز می‌توانند خطرآفرین باشند. به همین دلیل، استفاده از نیتروژن باید همراه با بررسی ظاهری تایر، رعایت ظرفیت بار و تنظیم فشار مناسب باشد.

معایب باد نیتروژن چیست؟

هزینه بیشتر برای باد کردن لاستیک: مهمترین محدودیت استفاده از نیتروژن، هزینه بیشتر آن در مقایسه با هوای معمولی است. مراکز خدمات خودرو برای تولید یا تامین نیتروژن و استفاده از دستگاه‌های مخصوص هزینه می‌کنند و این هزینه معمولا به مشتری منتقل می‌شود. در مقابل هوای معمولی در بسیاری از جایگاه‌ها و پنچرگیری‌ها به راحتی در دسترس است. بنابراین راننده باید با توجه به نوع خودرو، شرایط رانندگی و میزان استفاده از وسیله نقلیه تصمیم بگیرد که مزایای نیتروژن برای او ارزش پرداخت هزینه اضافی را دارد یا خیر.

نیاز به تجهیزات و مهارت مناسب: برای دستیابی به نیتروژن با خلوص بالا، استفاده از تجهیزات مناسب و اجرای صحیح فرایند پر کردن تایر اهمیت دارد. اگر مقدار زیادی هوای معمولی در لاستیک باقی بماند، خلوص نهایی کاهش می‌یابد. به همین دلیل برخی مراکز برای کاهش میزان هوای باقی‌مانده، فرایند تخلیه و پر کردن مجدد را تکرار می‌کنند. این کار ممکن است زمان سرویس را افزایش دهد و به تجهیزات تخصصی نیاز داشته باشد.

محدودیت دسترسی به نیتروژن: دستگاه تولید یا تامین نیتروژن در همه مراکز خدمات خودرو وجود ندارد. به همین خاطر تنظیم باد لاستیک در سفر یا مناطق دور از شهر ممکن است دشوارتر باشد. البته اگر لاستیک نیتروژن‌دار کم‌باد شود و نیتروژن در دسترس نباشد، می‌توان برای تنظیم فشار از هوای معمولی استفاده کرد. مخلوط شدن این دو گاز به لاستیک آسیب نمی‌زند، هرچند خلوص نیتروژن کاهش پیدا می‌کند.

برای افزایش عمر لاستیک چه نکاتی را رعایت کنیم؟

استفاده‌ازنیتروژن‌زمانی‌بیشترین‌فایده‌راداردکه‌بانگهداری صحیح لاستیک همراه باشد. رعایت چند نکته ساده به حفظ کیفیت تایر و افزایش ایمنی خودرو کمک می‌کند.

*فشار باد را دست‌کم ماهی یک بار و پیش از سفرهای طولانی بررسی کنید.
*فشار توصیه شده سازنده را از برچسب داخل در خودرو یا دفترچه راهنمای آن بخوانید.
*فشار لاستیک‌ها را در حالت سرد اندازه بگیرید.
*از حمل بار بیش از ظرفیت مجاز خودرو خودداری کنید.
*لاستیک‌ها را از نظر بریدگی، برآمدگی، ترک و ساییدگی نامنظم بررسی کنید.
*در صورت افت مکرر فشار، وضعیت والف، تایر و محل اتصال آن به رینگ را بررسی کنید.